

فهرست کتب
۱۳۲۹

از این کتاب
۱۲۵۳ خ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل الدنيا دار فناء لا دار مقر ولا يعلم خسر عباده براه و من استخاره هذا و
كفاه استخاره و من استخاره آواه و الصلوة على خير من استخاره استخاره
و اهل بيته الذين من والاهم كانت الحجة ماواه و من عاداهم قالوا
مشواه **و بعد** ستمه فيوض قد سر محمد باقر عيسى عني اية عن سيانته و حشره
مع مواليه و ساداته بر الواج ارواح برادران ايبائي و سالكان سالک
زب برداني ميکارد که چون اخبار متکاثره و احاديث متضافره از
حضرت رسالت نباه و عترت طاهره صلوات الله عليه و عليه جمعي در فضيلت
استخاره و استشاره از جناب مقدس رب الارباب بيان انواع آن
بنظر قاصدين بصاعت رسیده بود و اگر خلق را اطلاع بر آنها ميشود
و باین سبب از فوائد و برکات آن محروم بودند لهذا در اين رساله که بزبان
و هشت باب و خاتمه سلیمان اخبار و آثار معتبره که در اين باب وارد شده
ايراد نمود و بفتح الغيب سعی گردانيد ستمه امن اسم المعونه و هو صبي
و نعم الوكيل **فان** در بيان فضيلت استخاره است بدانکه استخاره در لغت
طلب خير و راهنماي بصلاح خود از گم نمودن است و استشاره نیز صحبت
بکسي کردنست در امری که آدمي را در آن تردیدي باشد تا آنکه او را راه
کند بامري که صلاح انگيز است بمقتضاي رأي او و اگر چه

منتاح بعد ابواب ضبان

۲
استاره از برادران مؤمن نیز مطلوب جنبه نیکو از این استاره آن
خواهر است اما مقصود اصلی در این مقام طلب خیر از جناب مقدس الهی است
در جهان آن کسب عقل و نقل معلوم است چه ظاهر است که صانع عالم
بصلاح دنیا و عقبای بنی آدم از هر کس انا تر است و بالطف و کرم نامتناهی
الهی در آن کس بی نیازی از جمیع خلق و قدرت بر جمیع امور ممکنه در آنچه صلاح
بنده گان در آنست ضمنت و بخل نماید مخصوصا و قتر که بنده امور خود را
با و گذارد و از او صلاح خود را طلب نماید و ایسی باید که بنده خیر خود را
در جمیع امور از پروردگار خود طلب نماید و مصلحت خود را ملطف
او گذارد و ایضا معلوم است که مقتضای بندگی و کمال حقیقت عبودیت
آنست که مرادات و ارادات خود را تابع ارادات حق گرداند و مقتضای
وماتش او را الا ان یشاء الله عز و جل خود خالی گردد و خواهش خود را
خداوند خود را بر خواهش خود مقدم دارد تا آنکه خداوند در جمیع او را بخود
نگذارد و در هر مسرور و محسور مدبر امور او گردد و مقتضای انجوائی و حق
بنوکل علی الله فهو حسبه حق تعالی کافی مرادات او باشد و این مرتبه
اعلای در جرات مقربانست و بنده های بسیار شیخ مفید و سید ابن طاووس
و دیگران از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که حق تعالی
میفرماید که از جمله شقاوت بنده من آنست که کارها کند و طلب خیر خود

از من نناید و سید و برقی بسند های معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده اند که هر که در امری بدون استخاره داخل شود و ببلای مبتلا شود
خدا او را در آن بلا محض و بی حاجی نهد و سید بسند معتبر از آن حضرت
روایت کرده است که میگفت که هرگاه در امری طلب خیر از حق تعالی
کرده یا شتم برواندازم که براحت افتد یا ببلای فرمود که بدرم مرا تعلیم
استخاره میخورد خیارچه سوره های قرآن مرا تعلیم میخورد و ایضا از آن حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که ما استخاره را یاد میکرد فتم
خیارچه سوره های قرآن را می آموختیم و ایضا بسند صحیح از آن حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که هیچ بنده طلب خیر از خداوند عالمیان نگردد
کردانیده است^م است مگر آنکه خیر او را برای او سیر میگرداند هر چند او نخواهد و هیچ طریقی
بسند معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام روایت کرده است که چون حضرت
رسول صلی الله علیه و آله مرا بمن فرستاد مرا وصیت کرد که یا عیاض هر آن
میشود که از خدا استخاره کند و بشیء غفلت نکند که با مردم مشورت نکند
و بدانکه بعد از طلب خیر از حق تعالی باید که هر امری که رخ نماید آن را بفرمان
و بدانند که خیر او در آن بوده است که واقع شده است هر چند در نظر او
بداناید و موافق خواهش او نباشد و برقی در میان بسند معتبر از حضرت

صادق علیه السلام روایت کرده است که دشمن ترین خلق نزد خدا کسی است که
خدا را متهم دارد و او می گوید که کسی باشد که خدا را متهم دارد و فرمود که بی
لکیر که طلب خیر از خداوند خود بکند و بعد از آن امری که واقع شود بآن راضی
نباشد پس خدا را در خیر خواهر خود یاد آن بی خبر او متهم داشته و سید ابن
طاووس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که خداوند عالم می فرماید
که هر که در حق قضای من باشد و شکر خمتها را من نکند و شکیبائی در بلدی من عمل
نیاورد پس برورد کار بغیر من طلب کند و هر که بغیر من راضی باشد و غنای
من شکر کند و بر بلد من صبر کند بنویسم او را از جمله صدیقان نزد خود و حضرت
فرمود که هر کس طلب خیر کند از خدا در امری و یکی از دو امر برای او بجا آید
و در دلش چیزی بوده باشد بمنزله از عدم شنودی یا خیر بودن آن امر پس خدا
را متهم داشته در قضای او و کلینی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که داناترین مردم بخدا کسی است که راضی تر باشد قضای او و بسند صحیح
دیگر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که صبر کردن و از
خدا راضی بودن سوطاعت و بندگی خدا است و هر که صبر کند در بلد و راضی باشد
از خدا در هر چه برای او حکم کند و مقدر گرداند خواه موافق خواهش او باشد خواه
نباشد پس خدا مقدر بنیک گرداند برای او مگر آنچه خیر او در آنست خواه دوست دارد

وخواه مکره او باشد و بدانکه استخاره چند نوع است اول آنکه در هر امری که اراده
 نماید بجانب مقدس التمسک و خیر خود را در آن امر از حق تعالی طلب نماید دوم
 آنکه بعد از آنکه طلب خیر از خدا بکند و بعد از آن در دل خود نظر کند و آنچه بخاطر
 او گرفته بآن عمل کند و سیم آنکه بعد از طلب خیر مشورت کند با مؤمنان و یا با
 آن مؤمن مسکود بعل کند چهارم آنکه استخاره بقرآن مجید یا تسبیح یا مینا یا
 یا بقرآن یا بکند تفصیلی که مذکور خواهد شد و اکثر احادیث استخاره دلالت بر حکم
 اول میکند **مفصل اول** در بیان نوع اول است - اعتراف استخاره مطلقه سید علی بن طاووس
 بسند صحیح روایت کرده است از ابن ابی یعفور که گفت شنیدم از حضرت صادق
 علیه السلام که میفرمود در بیان کیفیت استخاره که تعظیم و تجید و حمد خدا میکنی و صلوات
 بر محمد و آل او میفرسی پس میگوی **اللهم انی استسئلتک بانک عالم الغیب**
والشهادة الرحمن الرحیم و انت علام الغیوب استخیر الله
 بزرگتر خجسته پس حضرت فرمود که اگر امر سخت باشد که بیم در آن داشته باشی
 صد مرتبه بگو و اگر امر آسانی باشد سه مرتبه بگو **موفق کوی** که ظاهر آنست
 که مکرار صد بار و سه بار در استخیر الله بر حمت باشد و اگر از اول عالم
 بخواند سالیانه بهتر باشد و اگر پیش از دعا بگوید سبحان الله و الحمد لله
ولا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
 و دعا کیفیت انواع استخارات را ذکر کرده اند و شیخ تمهید و سید ابن طاووس علیهما الرحمه طعن
 بسیار بر انکار این ادویسم نموده اند و حق آنست که چون احادیث در باب هر یک واقع
 شده انکار نمیتوان کرد اما عمده استخاره آن سه شیخ اولست که در این زمانها متروکست م

و بعضی از علمای ما مانند شیخ صفیه و ابن ادریس و مجتبی رضویان اسم علی
در جواب استغفار بغیر قسم اول تردد و قائل کرده اند بلکه ابن ادریس ترجیح علی (ع)
جواز داده اما اکثر اعاظم علمای کبوتر کرده اند و محققین دانسته اند و در کتاب فتنه

و بعد از آن آن دعا را بخوانند شاید بد نیاسته و ایضا بنده های معتبر از
 حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که بگردد خیر خود را از
 خدا بطلبد و او را خیر بدارد هر چه خدا از برای او میسر گرداند البته
 حق تعالی آنچه خیر اوست برای او میسر گرداند و بنده معتبر دیگر روایت
 کرده است که هر طیار غنچه است حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که بار سیده است
 که شایسته فرموده اید که هر که در امری صد مرتبه خیر خود را از خدا بطلبد
 خدا خیر او را بنزد او بیاورد حضرت فرمود که اگر بگویند نیز خیر خود را
 بطلبد خدا او را بخیر او برساند و باسانید صحیح روایت کرده است
 از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که طلب خیر در هر رکعت از رکعات
 نافله نازید پس کردن خوب است مؤلف که یاد کرد شاید مراد طلبیدن از
 سجده باشد و در مکارم الاخلاق از حضرت صادق علیه السلام روایت و کتاب من لا یحضره
 کرده است که در استخاره باید که طلب خیر خود کند از خداوند عالمان
 در سجده آخر نافله صبح صد و یک مرتبه باین نحو که بگوید اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ پس بنجاه مرتبه بگوید اَسْتَخِیْرُ اَمْرَیْ بِرَحْمَتِ
بِسْمِ بَارِئِ وَصَلَوَاتِ رَاْعَادِهِ کند و بنجاه و یک مرتبه بگوید اَسْتَخِیْرُ
اَمْرَیْ بِرَحْمَتِ و سید رضی رحمه الله این روایت را نقل کرده است و گفته است
 که بعد از آن بگوید اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ اَلْبَصَرَ اَلْطَّیْبَ وَ اَلْاَسْمَعَ اَلشَّامِعَ و یا

وخواه مکره او باشد استماع آنها سپید و یا آرجمه را چهره صلی علی
محمد و آله و خردی فی الامر الذی آردت و اگر تواند بر بی حاجت خود را
ذکر کند و بازگوید لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله العظیم
رب محرمه محمد و آله صل علی محمد و آله و خردی فی الامر الذی آردت
فی دنیا و الآخرة خیرة فی عافیة و باز اگر تواند حاجت خود را ذکر کند
بجای فی الامر الذی آردت و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که هرگاه
اراده امری داشته باشی و در مکارم الاخلاق از حضرت امیر المومنین صلوات
الله علیه روایت کرده است در کیفیت استخاره که دو رکعت نماز میکند
و بعد از نماز صد مرتبه میگوید استخیر الله پس میگوید اللهم انی قد
عزمت یاخر قد علمت فان كنت تعلم ان الله خیر لی فی دینی و دنیای
و آخرتی فیرسه لی و ان كنت تعلم ان الله شر لی فی دینی و دنیای
و آخرتی فاصرفه عني کرهت نفسي ذلك اتم احببت فانك
تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب پس عزیم میکند بر امری که اراده کرده
است و ایضا روایت کرده است که مردی آمد بخدمت حضرت صادق
علیه السلام و گفت فدای تو شوم گاه هست که کاری را میکنم و بعد از آن شیطان
میگوید حضرت فرمود که چرا استخاره نمیکنی گفت فدای تو شوم چگونه استخاره
کنم فرمود که چون نماز صبح را کردی دست را بلند کن برابر روی خود

وَكَبِّرُوا لِلَّهِ إِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَخُذْ لِي فِي جَمِيعِ مَا عَزَمْتُ بِهِ مِنَ الْأُمُورِ حَيَارَ بَرَكَتِهِ وَغَافِيَةِ
وَأَيْضًا از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که چون حضرت
علی بن حسین صلوات الله علیه اراده حجی یا عمره یا بنده آزاد کردنی
یا خریدنی یا فروختنی میکرد و وضو میکرد و دو رکعت نماز استخاره
میکرد و در رکعت اول بعد از فاتحه سوره الرحمن و در دوم سوره ضحی
میخواند و بعد از نماز دو رکعت مرتبه طلب خیر از خدا میکرد یعنی میگفت
اَسْتَخِيرُ اللهَ هَذَا بِاسْتِخْوَارِ اللهِ بِرَحْمَتِهِ خَيْرٌ لِّى فِي غَافِيَةِ رِسِّ سُوْرَةِ قُلْ
هَوَ الله وَ قُلْ اَعُوْذُ بِاللهِ وَ قُلْ اَعُوْذُ بِاللهِ بِرَحْمَتِهِ هَذَا بِرَحْمَتِهِ
اَللّٰهُمَّ اِنِّى قَدْ هَمَمْتُ بِاَمْرٍ قَدْ عَلِمْتُهٗ فَاِنْ كُنْتُ تَعْلَمُ اَنَّهُ خَيْرٌ لِّىْ فِى دِيْنِ
وَدُنْيَايَ وَ اٰخِرَتِىْ فَاَقْدِرْهُ لِىْ وَاِنْ كُنْتُ تَعْلَمُ اَنَّهُ شَرٌّ لِّىْ فِى دِيْنِ
وَدُنْيَايَ وَ اٰخِرَتِىْ فَاَصْرِفْهُ عَنِّىْ بِرَبِّ اَعِزِّمْ لِىْ عَلَى رُشْدِىْ
وَ اِنْ كَرِهْتَ اَوْ اَحْبَبْتَ ذٰلِكَ فَخَبِّرْنِىْ بِسَمِىِّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمُ فَاَشَاءَ
اَللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ حَسْبِىْ اَللهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيْلُ بِسَمِىِّهِ
اَمْرٍ مِّسْئَلٍ وَ عَزَمْتُ بِرَأْسِىْ مِثْلُ مَا سَمِعْتُ ابْنَ طَاوُسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَسْمَعُ
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه کسی مطلبی را از
بروردگار خود خواهد طلب نماید باید که در آن روز بر پشت میکتی

تصدق کند و هر مسکین را یک صاع کند بمهره بضاع حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 و چون سب شود در ثلث آخر سب غسل کند و جامه کند که پست ترین
 عیالش پوشند بپوشد و بجوش زیر جامه تنگی بپندد پس دو رکعت نماز بجا
 آورد و چون در رکعت دوم بسمه اول برود لا اله الا الله بگوید و خدا را
 ب عظمت و بزرگواری یاد کند و در نیت که اگر بعد از ذکر سجده تسبیحات
 اربع و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بگوید خوب باشد پس گناهان
 خود را آنچ در خاطر داشته یاد کند و طلب مغفرت و آمرزش بکند و اگر تحمل
 بگوید اللهم اغفر لی ما تعلم من ذنوبی شاید بد نباشد پس فرمود که چون که
 سجده دوم بگذارد صد مرتبه بگوید اللهم انی استخیرک فی هر حاجت
 که دارد از خدا بطلب و هر مرتبه که سجده رود نکر را از زانو دو رکعت
 و نکر که زانو زمین برسد و عقب نکر را نیز میان ساقها و رانها داخل
 کند که مجموع زانو ها و قدماش بخاک برسد و علی بن ابرهیم در تفسیر روایت
 کرده است از علی بن اسباط حضرت امام رضا علیه السلام که علی بن اسباط
 خیران بود در رفق سفری که انوراه در یابروم یا از راه صحرا حضرت فرمود
 که برو مسجد در غیر وقت نماز واجب و دو رکعت نماز بجا آور و بعد از آن

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

و چنانچه در تفسیر
الاسناد

امام رضا علیه السلام
 در تفسیر روایت
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله

و چنانچه در تفسیر
الاسناد

در حدیث
صد و یک مرتبه بگو استخیر الله و بروایت حمیری صد مرتبه بگو و ایضا حمیری
سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که در بالای
سر حضرت امام حسین صلوات الله علیه ~~صد و یک مرتبه~~ تسبیح صد مرتبه
طلب خیر از خدا بکند پس صد و تهلیل و تحمید تسبیح و تحمید و ثنا کند خدا را
البته خدا خیر او را برای او میسر گرداند یا در دل او بیندازد **الحول**
گوید که اگر چنین بگوید **لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله**
أَحْمَدُهُمُ أَكْرَمُهمْ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ أَكْثَرُهُمُ رُبَّ الْعَالَمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ یا بعد عمل بحدیث کرده باشد پس صلوات
بفرستد و طلب خیر خود از خدا بکند و دعای که بعد از این مذکور می شود
بخواند حتماً در همین حدیث صحیح مذکور است که راوی گفت که شنیدم
از حضرت صادق علیه السلام که در دعای استخاره این دعا بخواند
اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِعِلْمِکَ وَ اَسْتَخِیْرُکَ بِعِزَّتِکَ وَ اَسْتُلْکَ
مِنْ فَضْلِکَ الْعَظِیْمِ وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِعَوَاقِبِ الْأُمُورِ اِنْ کَانَ هَذَا
الْأَمْرُ خَیْرًا لِّیْ فِی دِیْنِیْ وَ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِیْ فِیْسِرْهُ لِّیْ وَ بَارِکْ
لِّیْ فِیْهِ وَ اِنْ کَانَ شَرًّا فَاصْرِفْهُ عَنِّیْ وَ اقْضِ لِّیْ خَیْرَ حَیْثُ کَانَ
وَ رَضِیْنِیْ بِرَحْمَتِیْ لَا أُحِبُّ تَعْجِیْلَ مَا أُخْرِتَ وَ لَا تُأَخِّرْ مَا أُجْلِلْتُ

در حدیث

در حدیث
صد و یک مرتبه بگو استخیر الله و بروایت حمیری صد مرتبه بگو و ایضا حمیری
سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که در بالای
سر حضرت امام حسین صلوات الله علیه ~~صد و یک مرتبه~~ تسبیح صد مرتبه
طلب خیر از خدا بکند پس صد و تهلیل و تحمید تسبیح و تحمید و ثنا کند خدا را
البته خدا خیر او را برای او میسر گرداند یا در دل او بیندازد **الحول**
گوید که اگر چنین بگوید **لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله**
أَحْمَدُهُمُ أَكْرَمُهمْ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ أَكْثَرُهُمُ رُبَّ الْعَالَمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ یا بعد عمل بحدیث کرده باشد پس صلوات
بفرستد و طلب خیر خود از خدا بکند و دعای که بعد از این مذکور می شود
بخواند حتماً در همین حدیث صحیح مذکور است که راوی گفت که شنیدم
از حضرت صادق علیه السلام که در دعای استخاره این دعا بخواند
اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِعِلْمِکَ وَ اَسْتَخِیْرُکَ بِعِزَّتِکَ وَ اَسْتُلْکَ
مِنْ فَضْلِکَ الْعَظِیْمِ وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِعَوَاقِبِ الْأُمُورِ اِنْ کَانَ هَذَا
الْأَمْرُ خَیْرًا لِّیْ فِی دِیْنِیْ وَ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِیْ فِیْسِرْهُ لِّیْ وَ بَارِکْ
لِّیْ فِیْهِ وَ اِنْ کَانَ شَرًّا فَاصْرِفْهُ عَنِّیْ وَ اقْضِ لِّیْ خَیْرَ حَیْثُ کَانَ
وَ رَضِیْنِیْ بِرَحْمَتِیْ لَا أُحِبُّ تَعْجِیْلَ مَا أُخْرِتَ وَ لَا تُأَخِّرْ مَا أُجْلِلْتُ

و اعظم علیه و آله

رَسِيًّا عَزِمَ لِي عَلَى رُغْدِي وَإِنْ كَرِهْتُ ذَلِكَ وَأَبْتَرُ نَفْسِي وَأَبْنُ
 بابويه وبلغ وديكران رضاسه عنهم بسند حسن از حضرت صادق عليه السلام
 روايت کرده اند که هرگاه يکي از شما اراده کاري بکند پس دو رکعت نماز
 بکند پس حمد خدا را و ثنا گويد برب او و صلوات فرستد بر محمد و آل او
 و بگويد اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ هَذَا الشَّرُّ خَيْرًا لِّيْ فِيْ دِينِيْ وَدُنْيَايَ فَتَبْسِرْهُ
 لِيْ وَقَدِّرْهُ لِيْ وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّيْ رَاوِي يرسيد که
 چه سوره در اين دو رکعت بخوانم فرمود که هر سوره که خواهي و اگر خواهي هر قل
 هو الله احد و قل يا ايها الکافرون بخوان و قل هو الله احد در ثواب
 برابر است بآنکه قرآن و اينضا بن بابويه روايت کرده است که وسيد مرتضى
 محمد بن خالد قسري از حضرت صادق عليه السلام سوال کرد از طريق اشجاره
 فرمود که در آخر رکعتهاي نماز سب در سجده صد و يک مرتبه بگو استخيرا الله
 بَرَحْمَتِهِ و روايت ديگر فرمود که و بسند ديگر معتبر ديگر روايت کرده است
 که هرگاه حضرت صادق عليه السلام اراده مي نمودند که غلام يا چهار يان بخريدند
 يا امر آساني يا حاجت سبكي داشتند براي آن هفت مرتبه طلب خير از
 حق تعالى مي کردند و اگر امر عظيم اراده مي کردند صد مرتبه طلب خير مي کردند
 و اقلش استخيرا الله بَرَحْمَتِهِ است و در قرب الاله سناد بسند معتبر از
 حضرت امام موسي عليه السلام روايت کرده است که مردمي بخدمت آنحضرت

و در بقيه نسخه ها اين
 روايت است که
 اندر دو رکعت اخلاص
 کرده اند خدا را و
 پنج يا خيبر را و پنج

روايت معتبر است

آمد و گفت فدای تو شوم میخوام بسفری بروم و میخواهم مرا استخاره تعلیم
 نماید که اگر خبر من در این سفر باشد خدا برای من میسر گرداند و اگر برای من
 شری باشد از من بگرداند حضرت فرمود که میخوام هر که باین سفر بروی گفت
 اری فرمود که این دعا بخوان تا برای تو حیر شود اَللّٰهُمَّ قَدِّرْ لِيْ مَا ارْتَدْتُ
وَاجْعَلْهُ خَيْرًا لِّيْ فَإِنَّكَ تَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ و سید ابن طاووس
 اسم غنی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که بعد از نماز
 استخاره این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَ اَنَامًا يَلْجَوْنَ اِلَى مَطَالِيعِ
النَّجْمِ لَوَقَاتِ حَرَكَاتِهِمْ وَسُكُونِهِمْ وَتَصَرُّفِهِمْ وَعَقْدِهِمْ وَحَلِيمٍ وَخَلَقْتَنِيْ اَبْنًا عَلىٰ
اِيْنِكَ مِنَ الْجِبَالِ اِيْنَهَا وَمِنْ طَلَبِ الْاِخْتِيَارَاتِ بِهَا وَاتَّقِنُ اَنَّكَ لَمْ تُطْلِعْ
اَحَدًا عَلٰى غَيْبِكَ فِى مَوَاقِعِهَا وَ لَمْ تُسَمِّدْ لَهُ السَّبِيلَ اِلَى تَحْصِيْلِ اَفْعَالِهَا
وَ اَنْتَ قَادِرٌ عَلٰى نَقْلِهَا فِى مَدَارِهَا فِى مَسِيرِهَا عَنِ السُّعُوْدِ الْعَامَةِ وَ
الْخَاصَةِ اِلَى الْخُوسِ وَمِنْ الْخُوسِ الشَّامِلَةِ وَ الْمُرَدَّةِ اِلَى السُّعُوْدِ لِاَنَّكَ
تَحُمِلُ اَيُّهَا وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ اُمُّ الْكِتَابِ وَ لَا يَهْتَا خَلْقٌ مِنْ خَلْقِكَ وَ صَفْعَةٌ
مِنْ صَنِيعِكَ و ما استعداد من اعتماد على مخلوق مثله واستمداد الاختيار
 لنفسه و هم اولئك و لا اشتقت من اعتماد على الخالق الذي انت هو لا اله
 الا انت و حدك لا شريك لك و اسألك بما تملكه و تقدر عليه و انت به ملك
 و عنه غنى و اليه غير محتاج و به غير مكترث من الخيرة الجامعة للسلامة

اَيُّقُنْ دُر

صَنِيعِكَ دُر

وَسْأَلَكِ دُر

وَالْعَاقِبَةِ وَالْغَنِيمَةِ لِعَبْدِكَ مِنْ حَدِيثِ الدُّنْيَا الَّتِي لَيْتَكَ فِيهَا ضَرْفُ رُسْمٍ لِعَاقِبَتِهِ وَمِنْ
خَيْرَاتِ الْآخِرَةِ الَّتِي عَلَيْكَ فِيهَا مَعْوَلُهُ وَأَنَا هُوَ عَبْدُكَ اللَّهُمَّ فَقُولْ يَا مُؤَلَّي
اخْتِيارَ خَيْرِ الْأَوْقَاتِ لِحُرَّتِي وَسُكُونِي وَتَقْضِ وَابْتِئَامِي وَسِيرِي وَحُلُولِي وَعَقْدِي
وَحَلِّي وَاسْتَدْرِجْ بِنُفَيْلٍ عَنِّي وَسَدِّدْ نِيَّتِي وَأَقْذِفْ فِي قُوَادِي حَمِي

لَا يَتَأَخَّرُ وَلَا يَتَقَدَّمُ وَقْتُهُ عَنِّي وَأَبْرَأْ مِنْ قُدْرَتِكَ كُلِّ غَسٍّ يَعْرِضُ بِجَانِبِ حَتْمٍ
مِنْ قَضَائِكَ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ وَيُبَاعِدُهُ مِنِّي وَيُبَاعِدُنِي مِنْهُ فِي دِينِي

وَنَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي وَأَعِزَّنِي بِهِ مِنَ الْأَوْلَادِ وَالْأَمْوَالِ وَالْبَهَائِمِ
وَالْأَعْرَاضِ وَمَا أَحْضَرُهُ وَمَا أَغْيَبَ عَنْهُ وَمَا اسْتَضْجَبَهُ وَمَا أَخْلَفَهُ وَحَصَّنِي

مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِعِيَاذِكَ مِنَ الْآفَاتِ وَالْعَاطَاتِ وَالْبَلِيَّاتِ وَمِنْ التَّعْصِيرِ
وَالسَّيِّئِ وَالنَّهْمَاتِ وَالْمَثَلَاتِ وَمِنْ كُلِّتِكَ الْحَالِقَةِ وَمِنْ جَمِيعِ الْمَخْلُوقَاتِ

وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ وَمِنْ الْخَطَأِ
وَالزَّلَلِ فِي قَوْلِي وَفِعْلِي وَمَلِكِي الصَّوَابِ فِيهِمَا بِالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ الْإِلَهِيَّةِ الْعَلِيِّ

الْعَظِيمِ بِالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ الْإِلَهِيَّةِ الْحَكِيمِ الْكَرِيمِ بِالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ الْإِلَهِيَّةِ الْعَزِيزِ
الْعَظِيمِ بِالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ الْإِلَهِيَّةِ جَزْزِي وَعَسْكَرِي بِالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ الْإِلَهِيَّةِ

بِإِلَهِي سُلْطَانِي وَمَقْدُرِي بِالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ الْإِلَهِيَّةِ عَزِي وَمُنْعِي
اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَالِمُ بِجَوَائِلِ فِكْرِي وَجَوَائِزِ صَدْرِي وَمَا يَتَرَجَّحُ فِي الْأَقْدَامِ

وَأَتَرْتُمُ زَارِعًا

الْمَخْفُوفَاتِ صَدْر

الْعَلِيمِ زَارِعًا

عَلَيْهِ وَالْإِحْجَامُ عَنْهُ مَكُونٌ صَمِيرٌ وَسِرٌّ وَأَنَافِيهِ بَيْنَ حَالَيْنِ خَيْرٌ أَرْجُوهُ
 أَصَابَتْنِي زُرْ وَشَرٌّ أَقْبِيهِ وَسَمٌّ يَحْطِي بِي وَدِينٌ أَحْوْطُهُ فَإِنْ أَصَابَنِي الْخَيْرُ الَّذِي أَنْتَ خَالِقُهَا
 لِتَقْبَلَهَا لِي لَا حَاجَةَ بَيْنَ النَّهْيِ بَلْ بِجُودٍ مِنْكَ عَلَيَّ بِهَا غَنِمْتُ وَسَلِمْتُ وَإِنْ
 أَخْطَأْتُ خَسِرْتُ وَعَطِيتُ اللَّهُمَّ فَأَمْرِ شِدْ فِي مَنِّهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَطَاعَتِكَ
 وَأَسْعِدْنِي فِيهِ بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ وَأَقْضِ بِالْخَيْرِ وَالْعَافِيَةِ وَالسَّلَامَةِ الثَّانِيَةَ
 الشَّامِلَةَ الدَّائِمَةَ لِي فِيهِ حَتْمٌ أَقْضَيْتَكَ وَنَافِذٌ عَزَمْتَ وَمَشِيتَكَ وَأَنْتَ أَبْلَغُ
 بِالْأَرْفَقِ زُرْ إِلَيْكَ مِنَ الْعِلْمِ بِالْأَوْفَقِ مِنْ مَبَادِيرِ وَعَوَاقِبِهِ وَقَوَائِحِهِ وَخَوَائِمِهِ وَمَسَائِلِهِ
 وَمَعَاطِيهِ وَمِنْ الْقُدْرَةِ عَلَيْهِ وَأَقْرَأُ أَنَّكَ لَا عَالَمَ وَلَا قَادِرَ عَلَى سَدِّ أَرْجُوهُ
 وَأَسْتَقْنِيكَ زُرْ سِوَاكَ فَإِنَّا أَسْتَهْدِيكَ وَأَسْتَعِينُكَ وَأَسْتَقْضِيكَ وَأَسْتَكْفِيكَ وَأَدْعُوكَ
 وَأَرْجُوكَ وَمَا تَأْتِيهِ مِنْ أَسْتَهْدَاكَ وَلَا ضَلُّ مِنْ أَسْتَفْتَاكَ وَلَا دُفْعِي مِنْ أَسْتَكْفَاكَ
 خَابَ زُرْ وَلَا خَالَ مِنْ دَعَاكَ وَلَا أَخْفَى مِنْ رَجَاكَ فَكُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنُوفٍ
 وَأَمَّا لِي فِيكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَسْتَغْنِيكَ
 لِمَهْمِي هَذَا وَلِكُلِّ مَهْمٍ أَعُوذُ بِاسْمِهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَا لَكَ يَوْمَ الدِّينِ إِلَيْكَ نَعْبُدُ وَإِلَيْكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا
 الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا

الضَّالِّينَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ
الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَاقِ
مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ
وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا مَنَافِكَ
وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمُ الْكِنَّةَ
أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذُكِرْتُ بِكَ فِي الْقُرْآنِ وَخَذُوهُ وَلَوْ أَنَّ
عَلَى آذَانِهِمْ نَفُورًا أَوْ لَكِمْ هُمْ الْغَافِلُونَ أَفَرَأَيْتَ مِنَ اتَّخَذَ إِلَهُهُ هُوَ
وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ عَنَابًا
فَمَنْ هُدِيَ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَنَا لَا يُشْذَرُونَ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بآيَاتِ رَبِّهِ
فَاعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمُ الْكِنَّةَ أَنْ يَفْقَهُوهُ
وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذْ أَبَدَّا الدُّبُرَ قَالَ
لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ
وَنِعْمُ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَى دَارِهِمْ لِيُذَكِّرَهُمْ لَعْنَهُمْ وَأَنَّهُمْ كَانُوا
لِللَّهِ قَوْمًا أُولِي الْأَبْصَارِ

قَدْ أَفْلَحَ الْوَعْدُ الْوَعْدُ الْوَعْدُ
 قَدْ أَفْلَحَ الْوَعْدُ الْوَعْدُ الْوَعْدُ
 قَدْ أَفْلَحَ الْوَعْدُ الْوَعْدُ الْوَعْدُ

وَأَنَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْغَيْبِ نَبِيًّا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى
 لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى وَأَسْتَهْضِمُ لِمَهْمِي هَذَا وَلِكُلِّ مَهْمٍ أَسْمَاءُ اللَّهِ
 الْعِظَامُ وَكَلِمَاتُ النَّوَامِ وَقَوَاعِ سُورِ الْقُرْآنِ وَخَوَائِمِهَا وَحُكْمَاتِهَا وَقَوَارِعِهَا
 وَكُلِّ عَزُودَةٍ تَقْوُذِيهَا نَبِيٌّ أَوْ صِدِّيقٌ هَمَّ شَاهِدَتِ الْوُجُوهُ وَجُوهُ أَعْدَائِي فَهَمُّ
 لَا يَبْصُرُونَ وَحَسْبِيَ اللَّهُ ثِقَةً وَعُدَّةً وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ **وَالْيَا سَيِّدِ رَضِيَ**

بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام رضا علیه السلام که روایت کرد
 از پدرش از حضرت امام جعفر صلوات الله علیه که هر که این دعا بخواند در کاری
 که اراده کند بنشیند در عاقبت آن کار مگر آنچه خواهد و دوست دارد

و دعا نیست

اللَّهُمَّ إِنِّي خَشِيتُكَ شَيْلُ الرِّغَائِبِ وَ
 تَجَزَّلُ الْمَوَاهِبِ وَتُطِيبُ الْمَكَاسِبِ وَتُغْنِمُ الْمَطَالِبِ وَتَهْدِي إِلَى أَحْمَدِ
 الْعَوَاقِبِ وَتَقِي مِنْ مَخْذُورِ النَّوَائِبِ اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَخِيرُكَ فِيمَا عَقَدْتُ عَلَيْكَ
 رَأْيِي وَقَادَفِي إِلَيْهِ هَوَايَ فَلَسْتُ لَكَ يَا رَبِّ أَنْ تَسْهَلَ لِي مِنْ ذَلِكَ مَا تَقْسِرُ
 وَأَنْ تُعْجَلَ مِنْ ذَلِكَ مَا تَتَسَّرُ وَأَنْ تُقْطِعَنِي يَا رَبِّ الظُّفْرَ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ
 فِيهِ وَعَوْنًا بِالْإِنْفَامِ فِيمَا دَعَوْتُكَ وَأَنْ تُعْجَلَ يَا رَبِّ بَعْدَ قُرْبَا وَخَوْفَةٍ
 أَمْنًا وَتَحْذِيرًا سَلَامًا فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَأَنْتَ

عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنْ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَجَلُهُ
فَسَهِّلْهُ لِي وَيَسِّرْهُ عَلَيَّ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاقْدِرْ لِي فِيهِ الْخَيْرَ إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **وأيضا سيد محمد** روايت کرده
است از محمد بن مظفر که آخر فرماني که از حضرت صاحب الامر
صلوات الله عليه بيرون آمد اين دعاي استخاره بود که بايد آن عمل
کنند و در نمازهاي حاجت نيز ميتوان خواندن

دعاي است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ فَقُلْتَ لَهَا أَتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ وَبِاسْمِكَ
الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى عَصَا مُوسَى فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ إِلَيْكَ حَتَّى قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَى
وَهَارُونَ أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُبْلِي بِهَا كُلَّ جَدِيدٍ
وَتُجَدِّدُ بِهَا كُلِّ بَالٍ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ وَبِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ عَيْنَكَ
إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَهَيِّئْ لِي وَسَهِّلْهُ عَلَيَّ وَتَلَطَّفْ لِي فِيهِ تَهْنِئَةً وَرَاحَةً

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَإِنْ كَانَ شَرُّ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَأَنْ تُصَرِّفَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتَ
وَكَيْفَ شِئْتَ وَتَرْضِيَنِي بِقَضَائِكَ وَتُبَارِكَ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ
تَعْجِيلَ شَيْءٍ آخِرَتَهُ وَلَا تَأْخِيرَ شَيْءٍ مُجَلَّتَهُ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ
يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ **وَشَيْخ طَرَس طَرَس طَرَس** در مجلس روحانی

کرده است از امام علی بن ابی طالب که حضرت صادق علیه السلام فرمود
که پدرم صلوات الله علیه در استخاره این دعا را میخواند اللَّهُمَّ إِنَّ خَيْرَ نَكَلٍ
تُنِيلُ الرِّغَابَ وَتُجْزِلُ الْمَوَاضِبَ وَتُغْنِمُ الْمَطَالِبَ وَتُطَيِّبُ
الْمُكَاسِبَ وَتَهْدِي إِلَى أَحْسَنِ الْعَوَاقِبِ وَتَهْقِي مَحْذُورَ النَّوَائِبِ
اللَّهُمَّ يَا مَالِكَ الْمُلُوكِ اسْتَجِبْ دُعَايَ عَزَمَ رَأْيِي عَلَيْكَ وَ
قَادَنِي هَوَايَ إِلَيْهِ فَسَهِّلْ لِي ذَلِكَ مَا تَوْعَدُ وَلَيْسَ مِنْهُ مَا تَعْتَرِ
وَالْقَبِي فِي اسْتِخَارَتِي أَلْهِمَّ وَأَدْفَعْ عَنِّي كُلَّ مُلِمٍ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ
أَمْرِي غِنًا وَمَحْذُورَهُ سَلَامًا وَبَعْدَهُ قَرَابًا وَجَعَلْهُ حِصْنًا أَعْطَانِي
يَا رُبَّ لُؤَاءِ الطُّفْرِ يَا اسْتَحْزَنْكَ فِيهِ وَتَرَبَّ الْإِنْعَامَ فِيهَا دَعَاؤُكَ
لَهُ وَمَنْعَ عَلَيَّ بِالْإِفْضَالِ فِيهَا رَحْمَتُكَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَ
تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ **وَشَيْخ طَرَس طَرَس طَرَس**

یا مولای

در کتاب بلد الامین از حضرت امام رضا صلوات الله علیه زجله ادر
وسالی این دعا را برای استخاره روایت کرده است اللهم ارح
خیرتک فیما استخیرتک فیه نبیل الرفایب و تجزّل المواهب
و تغنم المطالب و تطیب المطاسیب و تهدی الی ارجل المناهب
و تسوق الی اهدالعوائب و تقی مخوف النوایب اللهم انی
استخیرتک فیما عزیم الی علیه و قد اذنی عظمی علیک الیه فسهل
اللهم منہ ما توعد و یسر منہ ما تعسر و افرغ منی فی المہتم و
ادفع عنی کل مایم و اجعل رب عواقبہ غنا و خوفہ سلا
و بعدہ قربا و جدیر حصنا و ارسلا اللهم اجابنی و اخرج
طلبتی و اقرض حاجتی و اقطع عوائقها و امنع بوائقها و
اعطنی اللهم لواء الظفر بالخیرة فیما استخیرتک و وفور
الغنم فیما ادعوتک و عوائد الافضال فیما رجوتک و اقرنہ
اللهم بالنجاح و حطہ بالصلاح و ارنی اسباب الخیرة و اضحہ
و اعلام غنمها الارحمة و اشدہ حناق نعیرها و انفس صریع
تیسرہا و یتیم اللہ ملتیسرها و اطلو محبیسرها و ملکن اسرارها کلها

مخوفہ

حَتَّى تَكُونَ خَيْرَ نَفْسٍ مُّقْبِلَةٍ بِالْغَنَمِ مِنْ نَفْسٍ لِلْفُرْمِ عَاجِلَةٍ النَّفْعِ بَاقِيَةٍ
الصَّنْعِ إِنَّكَ وَإِيَّايَ الْمَزِيدِ مُتَبَدِّلِي بِالْجُودِ **در نه روز**

و در سال طایب یا بی طایب مذکور است که هرگاه اراده امری داشته باشی

دورگت ناز می و در **مس برقی** از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت

کرده است که هر که طلب خیر از خدا کند باید که عددش طاق باشد **و ایضا** از

حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر روز هرگاه اراده استخاره بکند

و ضروب اجتناب و دورگت ناز میگرد و مغول استخاره میبرد و اگر در ناسی

استخاره کسر با او سخن میگوید بجان او سه در میگوید و سخن با کسر میگوید تا فارغ

و ایضا از آنحضرت روایت کرده است که در استخاره این دعا بخواند **اللهم انی استخیرک**

بِرَحْمَتِكَ وَاسْتَقْدِرَكَ أَخْتِيقِدْرَكَ عَلَيْكَ لِأَنَّكَ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَاشْهَادُكَ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَاسْتَلْكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى

إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ صَدِّقٌ مُجِيدٌ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا الْآخِرُ الَّذِي

أُرِيدُهُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَيَسِّرْهُ لِي وَإِنْ كَانَ غَيْرَ

ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْهُ عَنِّي **و ایضا** هر دو از آنحضرت روایت کرده اند

که فرمود که بعضی از بزرگان من در استخاره این دعا میخوانند **اللهم لك الحمد**

و بیدرت اخیر و کلمه **اللهم انی استخیرک** بِرَحْمَتِكَ وَاسْتَقْدِرَكَ

خَيْرٌ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ لَا تَنْكَ تَقْدِيرُ وَلَا أَقْدِيرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَتَعْلَمُ وَأَنْتَ
عَلَّامُ الْغُيُوبِ اَللّهُمَّ فَإِنْ كَانَ مِنْ أَمْرٍ هُوَ أَقْرَبُ مِنْ طَاعَتِكَ وَأَعَدُّ
مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَأَرْضَى لِنَفْسِكَ وَأَقْضَى لِحَقِّكَ فَتَسِّرْهُ لِي فِي سِرِّي
لَهُ وَمَا كَانَ مِنْ غَيْرِ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ فَإِنَّكَ
لَطِيفٌ لَذَلِكَ وَالْقَادِرُ عَلَيَّ **وَرعاس** بنه معتبر روایت کرده است
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هرگاه امر عظیم را اراده کنی صد مرتبه
طلب خیر خود از حق تعالی میکنی و اگر چه عدم خریدن یا ماندن آن باشد صد مرتبه
طلب خیر میکنی **مکویم** اَللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَالشَّاهِدُ
إِنَّكَ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ الْأَمْرَ الَّذِي أَرَدْتُ خَيْرًا لِي مِنْ خَيْرِهِ وَ
إِنَّكَ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي
إِلَى مَا هُوَ خَيْرٌ لِي وَارْضِنِي فِي ذَلِكَ بِقَضَائِكَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا
أَعْلَمُ وَتَقْدِيرُ وَلَا أَقْدِيرُ وَتَقْضِي وَلَا أَقْضِي إِنَّكَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ
مولف که ظاهرش که است که پیش از این دعا صد مرتبه یا
سه مرتبه استخیر الله بر خیرت مکویم و بعد از آن این دعا را بخواند
و احتمال دارد که همین دعا را مکرر بخواند **ایضا** بنه معتبر دیگر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که میگوید در دعای استخاره استخیر الله
وَأَسْتَقِمْ أَثَرَهُ وَأَتَوَكَّلْ عَلَى شَرِّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَرَدْتُ

أَنْ أَفَاسَلُ إِلَهِي إِنْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَرْضَ أَنْ يَقْضِي لِي حَاجَتِي
 وَإِنْ كَانَ لَمْ يَخْطَأْ أَنْ يَصْرِفَنِي عَنْهُ وَأَنْ يُوفِّقَنِي لِرِضَاةٍ **وَكَلِمَةٍ**
وَفِيهِ وَسِيدٌ مِنْهُمْ بسند صحیح از حضرت عماد ق علی السّم روایت کرده
 اند که دور لغت ناز بکن و طلب خیر از علام الغیوب بکن پس بخدا
 سوگند یاد میکنم که هر مسلمان که خیر خود را از خدا بطلبد البته آن خیر را
 بنزد او می آورد **وَسِيدٌ وَكَلِمَةٌ دُكِرَانِ** بخندین سند از حضرت امام
 محمد باقر علی السّم روایت کرده اند که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
 فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را سبّی بود که گاهی بر آن مطلع
 شد و میگفت و من نیز میگویم که لعنت خدا و ملائکه و صالحان خلق را
 بر کبر باد که افشای سر آنحضرت نماید مگر نزد کسی که اعتقاد بر او داشته باشد
 پس کتمان کنید راز آنحضرت را بدستیر که شنیدم میفرمود که خدا سوگند یاد
 میکنم که نمیگویم بتو مگر آنچه گوشتهای من شنیده و دل من حفظ کرده و دیده
 من بسوی آن نظر کرده پس زنهار یا علی سر مرا فاش مکن بدستی که من
 از خداوند خود استعا کرده ام که هر که افشای سر کند نزد غیر محرم گواهن
 بجشاند با و اگر آتش جهنم را پس فرمود که یا علی بسیاری از مردم اگر عمل
 کنند با آنچه من میگویم در نهایت مرتبه عبادت خواهند بود هر چند عبادت
 ایشان کم نماید و اگر نه ترس آن دشتی که طاعینان این امت دین مرا

یا علی

ضایع کنند هر آنکه این سر را فاش میکردم و بهبه کس میگفتند که میخواهم
 که غیر کسی که محل اعتماد باشد بداند بد آنکه در دست معراج چون
 باستان هفتم رسیدم نظر کردم بسوی فرجه از عرش الهی که نور از آن میجوید
 مانند دیک که در جوشش باشد پس چون خواستم برگردم مرا نزد آن فرجه رسانیدند
 و ندانم رسید که ای کمر پروردگار تو را سلام میرساند و میگوید که تو
 گرامی ترین خلق نزد او و نزد او علی هست که از جمیع پیغمبران و ائمه ایان
 پنهان داشته است بعین تو و هر که را پسندی تو از دست تو و کسی که او
 پسندد بعد از خود و چون این دعاها را بخواند گناهان گذشته ایان
 برطرف شود و بعد از آن از گناه نترسند و باین سبب امر میکنم تو را
 بگفتن آن تا آنکه عمل کند گناهان گفتا باین نکنند و دست از سایر طاعات
 بردارند پس در ضمن دعاها فرمود که یا کمر پروردگار او را دو امر پیش آید
 و خواهد که من از برای او اختیار کنم برای او هر یک که نزد من شنیده
 تراست پس وقتی که اراده آن امر میکنم این دعا را بخواند اللهم اختر
لی بعزتی و وقفتی برضاک و محبتک اللهم اختر لی بعددک
و جنتی بعزتی و مقدرک و سخطک اللهم اختر لی فیما اریک
من هدی الاخرین و نام میری آن دو امر را استرها الی و اجبها
الیک و اقربها منک و ارضاها لک اللهم انی اسئلك بالقدره

الَّتِي رَوَيْتَ بِهَا عِلْمَ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ فَإِنَّكَ عَالِمٌ
 بِهَوَايَ وَسِرِّي وَغَلَائِبِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْتَفْعِ
 بِمَا صَدَّقْتَنِي بِهِ مَا تَرَاهُ لَكَ رِضًا وَبِي صَلَاحًا فِيمَا اسْتَمَرَّتْكَ فِيهِ
 حَتَّى تَكْرِزَ مِنِّي مِنْ ذَلِكَ أَمْرًا أَرْضَى فِيهِ بِحُكْمِكَ وَأَتَكَلَّفُ فِيهِ عَلَى قَضَائِكَ
 وَالْكَفَى فِيهِ بِقُدْرَتِكَ وَلَا تَقْلِبْنِي وَهَوَايَ لِهَوَاكَ مُخَالِفًا وَلَا مَا
 أُرِيدُ لِمَا تُرِيدُ مُجَانِبًا اِغْلِبْ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي تَقْضِي بِهَا مَا أَحْبَبْتَ
 عَلَيَّ مِنْ أَحْبَبْتَ بِهَوَاكَ هَوَايَ وَدَيْسَرِي لِلْيُسْرَى الَّتِي تَرْضَاهَا
 عَنْ صَاحِبِهَا وَلَا تَخْذُلْنِي بَعْدَ تَقْضِي إِلَيْكَ أَمْرِي بِرَحْمَتِكَ الَّتِي
 وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ائْتَمْتُ أَوْفَى خَيْرِكَ فِي قَلْبِي وَافْتَحَ قَلْبِي لِلْزُورِهَا
 يَا كَرِيمُ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بی

برای او منافع او را در دنیا و آخرت **رسید** بسند موثق از زراره روایت
 کرده است که گفت بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم که هرگاه اراده
 کاری داشته باشم و خواهم طلب خیر خود از پروردگار خود بکنم چگونه بگویم
 حضرت فرمود که هرگاه اراده استخاره داشته باشی اوز سه سینه چهار
 سینه و پنجمشنبه را روزه بدار پس در روز جمعه در مکان پاکیزه دور کعبه نماز

بکن

کهن پس نظر کن بجانب آسمان و صد مرتبه بگو اللهم انی استغفرك بانک
عالم الغیب و الشهادۃ الرحمن الرحیم انت عالم الغیب ان کان هذا
الاخر خیر الی فیما احاط به علمک فیسره لی و بارک فیہ و افتح
لی بابه و ان کان ذلک شر الی فیما احاط به علمک فاصرفه
عنی یا تعلم فانک تعلم و لا اعلم و تقدر و لا اقدر و تقضي و
لا اقضي و انت علام الغیوب **و ایضا** بسند معتبر از کتاب دلائل
حمیری روایت کرده است از محمد بن سہل قمی کہ گفت من در مکه معظمه مجاور
بودم پس رفتم بمدینہ و خدمت حضرت امام محمد تقی علیہ السلام شرف کردم
و اراده داشتم کہ از حضرت سوال کنم از برای شرف و کرامت جامعہ را
کہ پیشتر و میسر نشد کہ سوال کنم تا وداع کردم و بیرون آمدم و خواستم کہ از
مدینہ بیرون روم باز بخاطر رسید کہ عیضہ خدمت حضرت بنو لیس و جامعہ را
سوال کنم چون ترددی داشتم عیضہ را نوشتم و رفتم بمسجد حضرت رسول صلی
و دور کعبت نماز بہتخارہ کردم و بعد از آن صد مرتبه طلب خیر از خدا کردم
پس در دلم افتاد کہ نامہ را انفرستم نامہ را در دیدم و از مدینہ بیرون رفتم
چون روانہ کردم دیدم کہ خادم آنحضرت در میان قطارها میگرد و سوالی
از مکان من میکند چون بمن رسید دستمالی بمن داد کہ دو پارچہ بسیار
خفوشی قلانش نمازک در میان آن پیچیدہ بود و گفت مولای تو این جامہ را

در
لی

[illegible]

[illegible]

رحمة الله عليهم بسند كالصحيح روایت کرده اند که ابن سباط اراده صرخت
و در راه دریا و صحرای متردد بود حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود که
برو بسی در غیر وقت نماز واجب و دو رکعت نماز کن و صد مرتبه طلب
خود از خدا بکن و آنچه در دست می افتد بآن عمل کن و بروایت حمیری صد مرتبه
علی بن ابرهیم صد و یک مرتبه استغفر الله بگوید و اگر استغفر الله بر حجت
خیرة فی غایبة بگوید بهتر است **و شیخ رحمه الله** در مجالس معتبره از حضرت
امام علی نقی علیه السلام روایت کرده است که حضرت صادق صلوات الله علیه فرمود
که هرگاه یکی از شما را حاجتی عارض شود باید که شورت بپوشد و در گار خود بکند
گفت چگونه شورت کند فرمود که بعد از نماز فرضیه سجده رود و صد مرتبه
بگوید اللهم جزئی پس متوسل شود و صلوات فرستد بر ما و ما را شفیع گرداند
در درگاه کنه خدا پس آنچه حق تعالی بدش حیراند از دستان عمل کند و این مطلب
را اگر بنا بر بگوید نیز خوب است و اگر بگوید که اللهم انی اتوسل الیک
بنسبک بنی الرحمة محمد و اهل بیت الطاهرین و اتوجه بهم الیک آن
تصلی علی محمد و آل محمد و ان ینکم منی ما هو خیر لی فی دینی و دنیای
و آخرتی خیرة فی غایبة بر خمتک یا ارحم الراحمین ظاهر خوب است
و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که هرگاه کاری را اراده کرد دو رکعت
نماز بکن و صد مرتبه استغفر الله بگوید یا بگوید لا اله الا الله العلی
العظیم لا اله الا الله العظیم اللهم انک تعلم ربنا محمد و علی جزئی
فیما اردت و لدنیا و الاخرة خیرة من عندک لک فی رضا

وَأَيُّ فِتْنَةٍ صَلَاحٌ فِي خَيْرٍ وَغَافِيَةٍ يَا ذَا الْمَنَّةِ وَالطَّوْلِ لَيْسَ كَمَنْ خَرَّ رَأْسُهُ رَأْسَ رَأْسٍ
قرار گیرد بعل آورده **و سید محمد علی** بنده های صحیح و معتبر روایت
کرده است که مردی از حضرت امام محمد جواد علیه السلام ملا عیضه در باب فروختن
ملکی نوشت در جواب نوشتند که دو رکعت نماز بجا آور و بعد از آن
صد مرتبه طلب خیر خود از خدا بکن و در انشای استخاره با کسر سخن مگو تا صد مرتبه
تمام شود پس اگر در دلت بیفتد فروختن آن ملک بفروسی **و در بیان درستی**
الاجاب روایت کرده است که حضرت رسول ص با نس گفت که هر وقت
که امری را اراده کنی هفت مرتبه طلب خیر از پروردگار خود بکن پس آنچه در
دل تو بیفتد بکن که خیر تو در آنست **و ایضا** در صحاح عامه از جابر بن عبد الله
انصاری روایت کرده اند که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله استخاره را
تعلیم میامیزد چنانچه سوره قرآن را تعلیم میکرد و میگفت که هر یک از شما که
بامر من اهتمام داشته باشد قصد نماید دو رکعت نماز بکند در غیر وقت نماز و آن
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اِنِّیْ اَسْتَخِیْرُکَ بِعِلْمِکَ وَ اَسْتَقْدِرُکَ بِقُدْرَتِکَ وَ اَسْتَعِیْزُکَ
مِنْ فَضْلِکَ الْعَظِیْمِ فَانْتَ تَقْدِرُ وَ لَا اَقْدِرُ وَ تَعْلَمُ وَ لَا اَعْلَمُ وَ اَنْتَ عَلَّامُ
الْغُیُوبِ اَللّهُمَّ اِنْ کُنْتَ تَعْلَمُ اَنْ هَذَا اَمْرٌ خَیْرٌ لِّیْ فِی دِیْنِیْ وَ دَعَايِیْ
وَ عَاجِلِ حَرِّیْ وَ اَجَلِیْ فَاقْدِرْ لِّیْ وَ یَسِّرْهُ لِّیْ ثُمَّ بَارِكْ لِّیْ فِیْهِ اَللّهُمَّ وَ اِنْ

كُنْتُ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ
فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْهُ عَنِّي وَأَقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ وَرَضْتَنِي بِهِ

و حاجت خود را نام ببرد و شیخ مفید در مقنعه و علی بن بابویه در رساله
گفته اند که هرگاه امری اراده کرد و در رکعت ناز بکشد و صد و یک مرتبه استغیث الله
بِرَحْمَتِهِ یَا وَابْنِ دَعَا بِنُحْوَانَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
أَعْلَمُ الْكَرِيمُ رَبِّ نَحْوِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخِزْلِي فَيَأْتِ
لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ خَيْرَةٌ مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ بِسْمِ اللَّهِ بِرَأْسِ عَزَمِ كُنْ بِعَمَلِ آوَر

و کلینی و سید و غیر ایشان بسند معتبر روایت کرده اند که اسحق بن عمار گفت
حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که بسیار واقع میشود که امری را اراده میکنیم و بعضی
حرامی میکنند بآن و بعضی نه میکنند حضرت فرمود که هرگاه چنین باشد دو
رکعت ناز بکشد و صد و یک مرتبه طلب خیر از خدا بکشد پس نظر کند که کدام یک در
دل تو راجح است پس آنرا بکشد که از آن شاء الله خیر تو در آنست و باید که
طلب خیر را در عافیت بکشد یا نه که بگوید استغیث الله بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةٌ فِي
عَافِيَةٍ زِيَارَةِ كَرَامَتِهِ خَيْرٌ آدَمِيٌّ دَر بَرِيدِ دَسْتِ اَوْ بَابِ يَدِ مَرْدِ
فَرْزَنْدِ اَوْ يَدِ رَفْتِ عَالِ وَ عِنِّي هَر جَنْدِ خَيْرِ دَر اِنْبَا بَاشَدِ اَمَّا جَوْنِ اَكْثَرِ خَلْقِ
بِرَايِ بِلَا هَا نِسْتَوَانْدِ كَرْدِ وَ حَقِ عَالِي قَادِرِ اسْتِ بَرَأ نَكِ خَيْرِ رَا دَر اَمْرِ قَرَارِ دِهْدِ كِ
مَقْرُونِ بَعَافِيَتِ اَز اِيْنِ بِلَا هَا بِسْمِ اللَّهِ دَر دَعَا بَايْدِ كِهْ شَرْطِ عَافِيَتِ بَكَنْدِ و سید

و شیخ م

باشد

بر

سند صحیح از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر بنده که صد مرتبه
طلب خیر از حق تعالی بکند البته آنچه خیر اوست در دلش میرافتد میگوید اللهم
عالم الغیب والشهادة ان کان ما اردت خیرا الاخر دنیا و الآخرة
وعاجل اخری و آجله فیسره لی و افرجه لی بابر و رخصنی فی بعضائك
و در عیون اخبار الرضا از آن حضرت علیه السلام روایت کرده است که حضرت
صادق صلوات الله علیه فرمود در استخاره که بعد از نماز فرضیه بکجه میرود
و صد مرتبه میگوید اللهم خیر لی پس متوسل میشود بربوب خدا و آئمه هدی صلوات
الله علیهم و صلوات بر ایشان میفرستد و ایشان را تسبیح خود میگرداند پس آنچه
بعد از آن خدا او را الهام کند عمل بآن میکند زیرا که البته از جانب حق تعالی
مستجاب است استخاره بکتاب مقدس الهی است با مشورت کردن با مؤمنان بدانکه
مشورت کردن با برادران مؤمن عاقل از اهم امور است و تاکید بسیار در آیات
و اخبار در آن وارد شده است چنانچه حق تعالی برای تعلیم سایر بنده کان و تالیف
قلب مؤمنان و امتحان منافقان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را
که صاحب عقل کل بود و خاطر مقدسش مبط اسرار روحی الهی و سرق انوار
الهامات نامتناهی بود خطاب نمود که و شاورهم فی الامر فاذا عزمت
فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین یعنی با صحابه مشورت کن در امر جهاد
و غیر آن که اراده بینایی پس چون عزم کنی بر آنچه ما بر زبان ایشان جاری
میبازیم و بخاطر مقدس تومی اندازیم پس توکل کن بر خدا و کار خود را با او
بگذار و اعتماد بر غیر او مکن بدستی که خدا دوست میدارد آنهارا که در همه امور

بر خداوند خود توکل میکنند چنانچه با وجود امر آنحضرت بشوره برای تعلیم سایر
بندگان و مایه تطیب خاطر مؤمنان و مصالح بسیار دیگر باز امر فرمود توکل
و اعتقاد بر جناب تقدس او و تفویض امور خود به علم کامل و لطف شامل او
بسیار از کتاب سورت باید که اعتقاد بر آرای خلق نگردد و خبر خود را از
علام الغیوب طلب کند تا آنچه خیر اوست حق تعالی رزبان ایشان جاری
گرداند و ایضا در جای دیگر فرموده است وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا
الصَّلَاةَ وَأَمْزَجُوهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ پس مدح کرده
است جماعتی را که اجابت میکنند پروردگار خود را در هر امری از امور
دین که ایشان را بسوی آن میخواهند و نماز را برپا میدارند در اوقات
فضلت با شرایط و آداب آن و کارایان مشورت در میان
ایشان بمنزله استبداد بر آیی خود نمی باشند و در هر کار با یکدیگر مشورت
میکند و از آنچه بایشان روزی کرده ایم از مال حلال در راه رضای
ما اتفاق میکنند و از آیی آیر گرم نهایت مبالغه در مشورت ظاهر
میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که با کسی شورت
کند البته هدایت می یابد یا آنچه خیر او در آنست و در حدیث دیگر فرمود که
یا علی کسر که طلب خیر خود از خدا میکند هر در کار خود حیران نمیشود و کسی
در کارها با مردم مشوره میکند پشیمان نمیشود و از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه مرویست که نفس خود را بخطرهای اندازد کسی که متغنی

۱۲
میشود برای خود از رأی دیگران **دست برداری** و دیگران بسند معتبر از جهلت
صادق علیه السلام روایت کرده اند که مشورت نمی باشد مگر با چهار حد اگر
کسی آنها رعایت نکند مستضع و اگر نکند ضررش بر او مشورت کننده زیاده ^{میشود}
از نفع آنست اول آنکه با کسی مشورت کنی که عاقل باشد دویم آنکه آزاد
و دین دار و صالح باشد سیم آنکه دوست و برادر مؤمن باشد چهارم
آنکه او را بر سر و راز خود مطلع گردانی بنحوی که ضایع تو را از خود را میدانی
او هم بداند و اعتماد بر او داشته باشی که افشای راز تو نمیکند نزد مردم
اما اول برای آنکه اگر عاقل باشد سه رأی او بکار تومی آید و رأی احمق بکار
نمی آید و امادویم برای آنکه اگر آزاد و دین دار باشد سعی میکند که ضریع تو را
بداند و بتو بگوید و اگر از خدا ترسد بداند از آنکه ضریع تو را از تو پنهان
و اما سیم نیز اگر یار و برادر با نی باشد که راز خود را با او توانی گفت و اما
چهارم برای آنکه تا اسرار تو را ندانند ضریع تو را نمیتواند دانست **سنت**
که در عبارت حدیث جاهلی هست و حاصل مضمونش آنست که نزد کورس و دورست
که مراد از آزاد از آدمی خوش اخلاق باشد ضایع بسند معتبر از حسن
اجرم منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که عقل بد مردم مرتبه بود که
عقلهای دیگران را بآن نمیتوانست سنجید و بآن مرتبه از علم و عقل بسیار بود
که با یکی از سیاهان غلامان خود مشورت میکرد میگفتند با ضعیفی که مشورت
میکند جواب میفرمود که بسا باشد که خدا ضریع مرا بر زبان او جاری گرداند

پس آنچه آن سیاهان میکنند از مصالح باقی و مزارع آنحضرت بآن عمل نمود
و از حضرت صادق علیه السلام نقل است که از حضرت رسول ص برسیده
که حرم و دورانی چیست فرمود که مشورت کردن با صاحبان عقل
و رای نیک و متابعت ایشان کردن **در مقام** از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که مشورت کردن
با عاقل ناصح خیر خواه موجب سیمت و مبارکی و رشد و صلاح و توفیق حق
تعالی است پس هر گاه خیر خواه دانا عاقل رای برای تو اختیار کند
زنها مخالفت او ممکن که باعث هلاک تو میگردد **در حدیث** دیگر فرمود که
هیچ معاونتی بهتر از مشورت کردن نیست و هیچ عقلی بهتر از تدبیر نیست
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه نقل است که مشورت کن با طاعتی
که از خدا ترسند و دوست دار برادران مومن را بقدر پرهیز کاری ایشان
و پرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان نیز در ضرر باشی اگر تو را بینگی
امر نکنند مخالفت کن ایشان را تا طمع نکنند در آنکه موافقت کنی ایشان را در
بدیها و در حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از کسی که مسلمانی با او مشورت
کند و آنچه خیر او را در آن داند با او نگوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
حمولیت که هر گاه کسی با یکدیگر مشورت کنند و در میان ایشان کسی باشد
که ناشی محم یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در مشورت ایشان داخل باشد
البته آنچه خیر ایشان است برایشان ظاهر میشود و از حضرت صادق

علیه السلام منقولست که مشورت کن با مردان عاقل و پرهیزکار زیرا که انگیزند
تو را مگر بنیک و زنهار که مخالفت ایشان ممکن که مخالفت دانای پرهیزکار
باعث فساد دین و دنیا است و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که اگر خواهی نعمت الهی برای تو مستقیم باشد و مروت و مردی تو کامل و تمام
باشد و زندگانی تو نیکو باشد پس در امور خود با برده و با مردم دو مشورت
دنی و دینی
مکن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که مشورت مکن با صبا
و ترسان که راه بدرشد را بر تو تنگ میکنند و بسبب جبنی که دارد راه گشاد را
بتو نمی نهند و مشورت مکن با بخیل که مانع میشود تو را از رسیدن به نهایت
مقصود خود و مشورت مکن با کرم که حرص دنیا داشته باشد زیرا که زینت
میده برای تو بدترین را و بهار او بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که برادرش با او مشورت کند و آنچه محض خیر او را در آن دانند نگوید
حق تعالی عقل و رأیش را از او سلب کند و در کتب اصحاب و معانی
الاصحاب بسند های معتبر از حضرت صادق صلوات الله علیه منقولست که هرگاه
یکی از شما کاری را اراده کند با کسی مشورت نکند تا آنکه پیش از آن با
خداوند خود مشورت کند راوی گوشت حکونه با خدا مشورت کند فرمود که
اول از حق تعالی طلب خیر خود بکن بعد از آن با مؤمنان مشورت کند
تا خدا آنچه خیر او در آنست بر زبان ایشان جاری گرداند و در کتب اصحاب از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه امری را اراده کنی پس

با یک مشورت ممکن تا با خدا مشورت کنز رسیدند که چگونه با بروردگار خود
 مشورت کند فرمود که صد مرتبه بگوید اَسْتَخِيرُ اللهَ پس با مردم مشورت کند
 تا خدا چیز خیر را بر زبان هر که خواهد جاری کند و سید بعد تعبیر از حضرت
 صادق علیه السلام روایت کرده است که چون احدی از شما یعنی شیعیان
 اراده کند که چیزی بخرد یا بفروشد یا داخل مری شود پس اولی
 خود را از خدا عز و جل سوال کند باینکه بگوید اَللّهُمَّ اِنِّیْ اُریدُ اَمْرًا
فَاِنْ کَانَ خَیْرًا لِّیْ فِیْ دِیْنِیْ وَ دُنْیَایِ وَ اٰخِرَتِیْ وَ عَاجِلِ اَمْرِیْ وَ اٰجِلِ
فَیْسِرْهُ لِیْ وَ اِنْ کَانَ شَرًّا لِّیْ فِیْ دِیْنِیْ وَ دُنْیَایِ فَاصْرِفْهُ عَنِّیْ
رَبِّ اَعِزِّمْ لِیْ عَلٰی رُشْدِیْ وَ اِنْ کَرِهْتَهُ وَ اَبَتْهُ نَفْسِیْ سَبَّحْ
 نفر از مؤمنان مشورت کند در آن امر که اراده کرده است و اگر
 کسی نیابد یا پنج نفر مشورت کند با هر یک دو بار و اگر نیابد مگر دو نفر
 از مؤمنان با هر یک پنج مرتبه مشورت کند و اگر نیابد مگر یک نفر یا دو
 ده نوبت مشورت کند و الف گوید که اگر صد مرتبه اَسْتَخِيرُ اللهَ
 را با این حدیث ضم کند اتم و اکمل خواهد بود ان شاء الله تعالی
فصل چهارم در بیان آیه قرآن مجید است لَمَیْنِ رَحْمَةً از حضرت
 صادق علیه السلام روایت کرده است که تفأل میکنی بقرآن شایع ماری

الله علیه السلام این حدیث را تا اول سبک زدند که مراد نهی از ظهور فال کشیدن از قرآن است
 که احوال آینده را از آیات مناسبه استنباط کنند چنانچه بعضی از جهال
 این را وسیله روز خود کرده باین نحو مردم را فریب میدهند و باین طریقه غیر
 میرسد که ممکنست که مراد نهی از تغافل و تطیری باشد که اکثر خلق از روی
 و نشید بعضی امور میکنند و بعضی را خود مبارک و بعضی را شوم میگیرند مانند
 صدای کلاغ و جغد و دیدن بعضی از حیوانات و غیر آن در افتتاح
 سفر و غیر آن بعضی از نشیدن بعضی از آیات که به فال نیک و قال میگیرند
 و شاید بیکجاستش این باشد که باعث کم اعتقادی مردم بقرآن کریم
 نگردد اگر موافق نیفتد و آنگاه بقرآن مجید بجهتین طریق معروفست و در بعضی
 از کتب مذکور است اول آنکه بعد از طلب خبر از جناب مقدس ربانی
 مصحف را بکشاید و آیه اول صفحه دست راست را میگیرد و ملا حظت نماید اگر
 آیه رحمت یا امر بخیری باشد خوبست و اگر آیه غضب یا نهی از سرّی یا امر
 بسری یا عقوبت باشد بدست و اگر ذو جهتین باشد یا شکی باشد
 میانم است چنانچه شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب و صاحب کتاب الغایات
 و سید ابن طاووس رضایه عنهم بنده معتبر روایت کرده اند که بیع بن عباس قمی حضرت
 صادق علیه السلام عرض کرد که من اراده میکنم کاری را و طلب خبر از حق تعالی میکنم

احوال دیگر

و رأیم بر یکطرف قرار نیکبر حضرت فرمود که نظر کن در هنگامی که بنواز می‌نویسند
 زیرا که دورترین احوال سلطان از آدمی دور است که بنواز می‌نویسند
 پس بدین که چه چیز در دلت حریفته و اخذ کن بآن و بکش مصحف پس
 نظر کن بسوی اول چیزی که می‌بینی در مصحف پس بآن عمل کن ان شاء الله ظاهر
 آنست که بکش احرام آن باشد که یا بکش احرام از اول چیزی که می‌بینی از اول
 صفحه باشد زیرا که هر غالب آنست که اول نظر بر آن بر افتد و بنویسد این
 معنی است آنچه روایت کرده است این ادریس رحمه الله در کتاب سوار
 از شخص از اصحاب که گفت در خدمت حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه
 بودم و عادت آنحضرت این بود که چون نماز صبح میکرد با کسی سخن میگفت تا
 آفتاب طلوع میکرد و روزی که زیر فرزند آنحضرت متولد شد بعد از نماز
 صبح آنحضرت را بشارت ولادت او دادند پس رو باصحاب خود کرد
 و گفت چه نام کنم این فرزند را هر یکی از حاضران نامی گفتند حضرت مصحف
 طلبید و در دامن خود گذاشت و گشت در اول صفحه این آیه بود و فضل الله علیه
 علی القاعین ابراً عظیماً پس مصحف را بر هم گذاشت و باز دیگر گشت و این
 آیه در اول صفحه بود ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و أموالهم
 بأن لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون و وعداً علیهم حقاً

و آنحضرت در این طریق
 بجهت استخاره و تشخیص
 خیر باین فرموده باشد
 و همچنین ص

فی التوراة و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهد من الله فاستبشروا ببعثه
 الذی بایعتم به و ذلک هو الفوز العظیم پس حضرت دو بار فرمود که واسه که
 زید است و او را زید نام کرد **سولف** که چون حضرت میدانستند که یکی
 از فرزندان او که زید می باشد بود در جهاد می افان شهید خواهد شد
 و خدایم دو آیه که در اینجمله ظاهر شده است از بهر امانت او بود دانستند که باین سبب
 این همان فرزند است پس او را بزید می گویند و دلالت میکند بر اینجمله
 باین نحو که مذکور شد بلکه ایاتی که مجوز تفاول بقرآن نیز دارد و **ایضا**
رحمة الله علیه در فتح الابرار گفته است که خطیب مستغفری در دعوات
 خود ذکر کرده است که هرگاه خواهرت قال نایر کن ب خدا ایس بر
 سوره قل هو الله احد بخوان و سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد فرست پس
 لَمْ يَكُنْ لَكَ تَقَالُتُ بَيْنَ بَيْتٍ وَ تَوَلَّيْتُ عَلَيْكَ فَأَرِنِي مِنْ كِتَابِكَ مَا هُوَ
 أَعْلَمُ مِنْ بَيْتِكَ الْمَكُونُ فِي غَيْبِكَ پس مصحف مجید را بکشد و
 عمل کن با پنج درسطر اول صفحه دست راست ظاهر می شود بی آنکه
 اوراق وسط را بشمارد و این را از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 روایت کرده است **سولف** و که این حدیث از طرق عامه روایت
 شده است اما مؤید اینجمله صفحه اول می تواند شد **طریق دوم** بخانه قرآن
طریق حلاله است که مذکور است که باز باول صفحه اولی نظر کنه **دوم**
 بخط شیخ حبیب شیخ محمد صاحب التکرامات و المقامات جدید شیخ

از خط حضرت ابوالفضل علیه السلام و آن حدیث است که
 از خط حضرت ابوالفضل علیه السلام و آن حدیث است که

السلام و الحمد علی شیخ بهاء الدین محمد قدس سره روحها که از خط شیخ سعید
 محمد بن ملکی رفع اسم در حقه نقل کرده که او پسند معتبر از فضل بن عمر روایت کرده است
 که گفت با جمعی از اصحاب در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته
 بودیم پس یکی از ایشان بخدمت آن حضرت عرض کرد که گاه هست اراده کاری
 و قصد حاجتی میکنیم پس مصحف مجید را بر میداریم و حاجت خود را بخاطر آوریم
 و قرآن را میبکشد ایمیم پس بآول ورق اول نظر میکنیم و بان استدل بر نیکی و بد
 حاجت خود میکنیم حضرت فرمود که سید انبیاء بخوبی باید کرد و آنست که غیبی اند
 گفته اند ای تو مستحکم چگونه باید کرد فرمود که هر گاه یکی از شما را حاجتی
 و قصد آن داشته باشد نماز جعفر را بجا آورد و دعایش را بخواند
 و چون فارغ شود مصحف را بردارد و نیت کند فرج آل محمد را که ظهور
 حضرت صاحب الامر را که در این نزدیکی خواهد شد و بگوید اللهم
 اِنَّكَ اَنْتَ فِي قَضَائِكَ وَقَدْرِكَ اَنْ تَفْرِجَ عَنِّي وَلِيَّكَ وَ حُجَّتَكَ
 فِي خَلْقِكَ فِي غَايِنَا هَذَا اَوْ فِي شَهْرِنَا هَذَا فَاَخْرِجْ كُنَا آيَةً
 مِنْ كِتَابِكَ تَشْتَدِلُ بِهَا عَلَيَّ ذَلِكَ پس مصحف را بکشد و هفت
 ورق بگرداند و از پشت ورق هفتم ده سطر بشمارد و نظر کند سطر
 یازدهم که در آنجا امری بر او ظاهر خواهد شد در آن مطلبی که برای آن

علیه السلام

۲۱۱
گشود پس مصحف را بر هم گذارد و بار دیگر برای حاجت خود قصد میکند و مصحف
مجید را میکتاید و بهمان نحو که مذکور شد عمل میکند تا حاجت او ظاهر
شود **و سید ابی طالب** قدس سره نیز همین عمل را مرسل نقل کرده و
گفته است که در کتب اصحاب ما دیده ام و این احتمال استخاره و فال
هر دو دارد **و علم** استخاره جمله مهر راست که قرآن را بکشد و در صفحه
دست راست نظر کند و عدد لفظ است هر چه باشد بشمارد و بعد آن
از طرف چپ ورق بشمارد و بعد از آن بهمان عدد از صفحه دست
چپ سطر بشمارد و آنچه از سطر آخر ظاهر شود عمل کند و اگر در مرتبه اول
استخاره لفظ جمله در صفحه اول نباشد بار دیگر نیت کند و بکشد و تا جمله
ظاهر شود و این طریق را اگر چه از سید ابن طاووس نقل میکنند اما در کتاب است
و در غیر آن از کتب معتبره فقه و دعا بنظر فقیر نرسیده و لیکن بخط یکی از فضلا
بحرین دیدم که نوشته بود که دیدم در یکی از تالیفات علمای امامیه رضوان
الله علیهم که ابو مرسله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده بود که
آنحضرت فرمود که هرگاه بر اصدی از شما کار مشک شود مصحف را بدست گیرد
و عزم کند بر عمل کردن با آنچه ظاهر شود بر او از جانب حق تعالی پس سوره حمد

وَسُورَةُ قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ وَآيَةُ وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا
إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا
حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ
وَسُورَةُ أَنَا أَنزَلْنَاهُ وَسُورَةُ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَسُورَةُ قُلْ عِزُّ رَبِّ
الْعَلِيِّ وَسُورَةُ قُلْ عِزُّ رَبِّ النَّاسِ وَكُلُّهَا مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ وَسُورَةُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَكُلُّهَا مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ وَسُورَةُ
الْعَظِيمِ مِنْ فَاتِحَتِهِ إِلَى خَاتَمَتِهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَكُلُّهَا مِنْ كِتَابِ
يَا سَمِيعُ كُلِّ صَوْتٍ وَيَا جَامِعُ كُلِّ قَوْمٍ وَيَا بَارِئَ النَّفُوسِ بَعْدَ
الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ وَلَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ اسْأَلُكَ
أَنْ تُخَيِّرَ لِي بِمَا أَسْأَلُكَ عَلَى سَبِيلِ فَانَا لَكَ عَالِمٌ بِطَلْعِ مَعْلُومٍ غَيْرِ مُعْلَمٍ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَآلِهِمْ وَتَحْسِينِ وَعَلِيٍّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ وَمُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ
وَجَعْفَرِ الصَّادِقِ وَمُوسَى الْكَافِيمِ وَعَلِيِّ الرِّضَا وَمُحَمَّدٍ الْجَوَادِ وَ
عَلِيِّ الْهَادِي وَآلِهِمْ الْعَسْكَرِيِّ وَأَخْلَفِ الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَجَلَلَاتِ صَفْوَتِ رَأْسِ الشَّامِ
وَبَعْدَ ذَلِكَ أَوْرَاقُ تَشَارُحِ سَبْعِينَ عَشَرَ أَلْفَ صَفْحَةٍ مِنْ حَيْثُ بَدَأَ عَدَدُ
سُورَةِ الْقُرْآنِ

卷之六

اصطلاحی

اصطلاحی

وَسُورَةُ قُلْ هُوَ اَحَدٌ وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ وَآيَةُ وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا
اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَ
لَا حَبَّةٌ فِي ظِلِّائِ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ
وَسُورَةُ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ وَسُورَةُ قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَسُورَةُ قُلْ عُوذُ بِ
الرَّحْمٰنِ وَسُورَةُ قُلْ عُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَهَرِكِ اَزَانِيهَا رَاسَ مَرْتَبَةِ خَوَاتِمِ
الرَّسُولِ مَتَوَجِّهٌ لِّدُفْقِ اَنْ مَجِيدٌ وَكَبُورٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتُوَجِّهُ اِلَيْكَ بِالْقُرْآنِ
الْعَظِيمِ مِنْ فَاتِحَتِهِ اِلَى خَاتِمَتِهِ وَفِيهِ اَسْأَلُكَ الْاَكْبَرُ وَكُلَّمَا تَلَّكَ التَّائِمَاتُ
يَا سَامِعُ كُلِّ صَوْتٍ وَيَا جَامِعُ كُلِّ قُوْتٍ وَيَا بَارِي كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ
الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ وَلَا تُشَبِّهُ عَلَيْهِ الْاَصْوَاتُ اَسْأَلُكَ
اَنْ تُخَيِّرَ لِيْ بِنَا اُسْطُحْلَ عَلَيَّ بِرِّ فَاِنَّكَ عَالِمٌ بِكُلِّ مَعْلُومٍ غَيْرُ مُعَانٍ حَقٍّ
مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ وَعَلِيٌّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدٌ الْبَاقِرُ
وَجَعْفَرُ الصَّادِقُ وَمُوسَى الْكَافُّمُ وَعَلِيُّ الرِّضَا وَمُحَمَّدٌ اَحْمَدُ وَ
عَلِيُّ الْهَادِي وَالحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ وَالحَكَمُ الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ
وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ رِسْمٌ مَصْفُوفٌ اَمْلِكْ لِيْ وَجَلَالَاتِ صَفْوَةِ رِاسَتِ رَافِعِ الشَّامِ
وَبَعْدُ اَنْ اُورِاقَ تَشَارُحِ رِسْمٍ بَعْدَ اَزَانِ اَرْصُفَةِ رِاسَتِ جِبِّ بَهَانِ عَدَدِ
رِسْمِ

مؤلف گوید که اقسام طریقی دویم استخاره مصحف هیچیک مستند معقول
 خصوصاً سه قسم آخر که هیچ یک را معصومین علیهم السلام نسبت نداده اند
 و چون در بعضی از این استخارات وارد شده است که بعد از نماز حضرت
 جعفر علیه السلام بعمل آورده اند مناسبت که مختصری از این کیفیت آن مذکور شود
 بدانکه مشهورترین طریق افشال است که چهار رکعت بکنند و سلام و در رکعت
 اول بعد از فاتحه سوره اذ از زلزلت و در دویم سوره غادیات و در سیم اذا
 جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله احد و بخوانند و در هر رکعت بعد از فراغ
 از قرائت پانزده مرتبه بگویند سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 و الله اکبر و پس در رکوع و سر برداشتن از آن و در سجده اول و سر برداشتن
 و در سجده دوم و سر برداشتن در هر یک ده مرتبه این تسبیحات را بخوانند
 و اگر در سجده آخر بعد از تسبیحات این دعا را بخوانند بهتر است سُبْحَانَ
 مَنْ لَيْسَ الْغَرْوُ وَالْوَقَارُ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْحَمْدِ وَكَرَّمَ بِرُسْمِهِ
 مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ
 ذِي الْمُرَّةِ وَالنَّعِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ
 وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطُّوْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِمُعَاذِ الْعِزِّ مِنْ عَرَضِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ
 أَسْأَلُكَ الْأَعْظَمَ الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَنْتَ صِدْقًا وَ

مَعْدَلًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِسَاحِبَةِ خُودِ رَابِطِ بَدَنِهِ
 نَتَوَانِدُ بَكْوِيدَ وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَبَعْدَ از سلام منو بگوید
 یَا رَبِّ یَا رَبِّ بَعْدَ رَا نَکَرِ کَمِیْسِ وَنَکَرِ وَبَارِ یَا رَبَّاهُ یَا رَبَّاهُ
 هَا نَقْدَرُ وَبَارِ یَا رَبِّ یَا رَبِّ هَا نَقْدَرُ وَبَارِ یَا رَبَّاهُ یَا رَبَّاهُ
 هَا نَقْدَرُ وَبَارِ یَا رَبَّاهُ یَا رَبَّاهُ هَا نَقْدَرُ بِسَاحِبَةِ خُودِ رَابِطِ بَدَنِهِ
 یَا رَبَّاهُ یَا رَبَّاهُ بِسَاحِبَةِ خُودِ رَابِطِ بَدَنِهِ یَا رَبَّاهُ یَا رَبَّاهُ
 اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَقْبَلْتُ الْقَوْلَ بِمُحَمَّدٍ وَانْطَلَقْتُ بِالشَّارِعِ عَلَیْكَ وَ
 اُتَّخِذْتُكَ وَلَا غَايَةَ لِمُحَمَّدٍ وَاشْتِیْ عَلَیْكَ وَمَنْ یَلْجُ غَايَةَ
 شَتَائِكَ وَامَدَّ مُحَمَّدٍ وَانِّیْ اَخْلَقْتُكَ لَنْ مَعْرِفَةِ مُحَمَّدٍ
 وَایْ زَمَنِ لَمْ تَكُنْ مُحَمَّدٌ وَطَائِفُكَ مَوْصُوفًا بِمُحَمَّدٍ عَوَاذًا
 عَلَی الْمُنْذَرِیْنَ بِحَالِكَ تَخْلَفُ سُبْحَانَ اَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ
 فَكُنْتُ عَلَيْهِمْ عَطُوفًا بِجُودِكَ جَوَادًا بِفَضْلِكَ عَوَاذًا بِكِبَرِكَ
 یَا لَا اِلَهَ اِلَّا أَنْتَ اَلْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ وَاَلْاَنْبِیَاءُ
 رَا نَدَانْدِ سُوْرَه كِه بَخَوَانْدِ خُوبِست واین دعا نیز شرط ناز نیست بلکه از
 مصلحتات نازند و سایر آداب و ادعیه را در ربيع الاول سابق ذکر
 کرده ایم و چون راوی آن استخاره و این دعا هم دو مفضل بن عمر است

در
مَدْحِكَ

گفته است که یافته بخط برادر صالح پسندیده محمد بن محمد حسینی آوی خدا سعادتی
 را مضاعف گرداند و مشرف گرداند خانه او را که روایت رسیده است از
 حضرت صادق صلوات الله علیه که هر که خواهد طلب خیر خود از خدا بکند پس
 سوره حمد و انا انزلناه را هر یک ده مرتبه بخواند پس سه مرتبه این دعا را
 بخواند و آن دعای سابق را ذکر کرده است پس گفته است که گفتی اگر سکره
 یا تسبیح بگیرد و سید گفته است که مراد آنست که قصد کند که اگر طاق باشد
 بکن و اگر حفت باشد مکن پس باز سید گفته است که بعضی از اصحاب ما
 حدیث مرسل نقل کرده است در صفت قرع تسبیح که سوره حمد را یک مرتبه
 و سوره انا انزلناه را یازده مرتبه بخواند پس آن دعا که گذشت بخواند
 و رفیق بی برساند و خود کردن را و او نکردن را یا بر عکس طریقی را بخواند پس
 دو ورقه بنویسد یکی باسم خود و دیگری باسم رفیقش و در جایی بگذارد و
 دست کند و بدو آورد اسم هر یک که بدو آید بخاطر گرفته او عمل کند
 که عبارت سید اجلای دارد فقیر از عبارت او چنین میفهمم و این معلوم بدانم
 ظاهر روایات آنست که از سکره چند یا دانه تسبیح چند دست کند و شتی
 بر دارد و بشمارد نه بر و شتی که متعارفت و بعضی از شیای نماز خوا
 است علیه تسبیح منظوم را در میان گفت میگرفتند و دانه ها که در میان
 گفت واقع میشد میگردند تا که طاقبت یا حفت و این نوع نیز بار آورده

طریق دیگر شیخ یوسف بن حبیبی از خط شیخ محمد باقر آل کلبه سرور نا انچه که میخواند و استغفار را بخواند

فی الجمله انطباقی دارد اما آنچه دست بدست از اکثر شیخ دیده شنیدیم
همان روش متعارفست که بانگشت میان تسبیح را بگیرند و اگر حمد و
از آنرا و آن دعا را بدیگی از آن عده ها که در روایات مذکور است
بخوانند و نیت کنند و تسبیح را بگیرند و دو تا دو تا بشمارند و اگر یک باشد
عمل کنند و اگر دو باشد ترک کنند ظاهر اینست و والد مرحوم فقیر از شیخ عظیم
الکلی شیخ بها، الدین محمد علیها الرحمة و الرضوان نقل میفرمود که ماد است
بدست از شیخ شیخ خود شنیده ایم که از حضرت صاحب الامر صلوات الله
روایت میکردند در طریق استخاره تسبیح که سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد
بفرستند و تسبیح را بگیرند و دو تا دو تا بشمارند اگر طاق میماند خوب است
و اگر حفت میماند بد است و والد میرور رحمه الله باین روش اکثر اوقات
در اموری که در آن استعجابی بود استخاره میکردند و طریق دیگر در میان عوام
نزدت دارد که سه تا سه تا بشمارند اگر یک باشد خوب است و دو و وسط
و سه بد است و این طریق در جاهای غیر معتبره است **فصل ششم**
استخاره بر قاع است و سید ابن طاووس و اکثر متأخرین علمای طایفه اثنی عشر
این نوع را بهترین استخارات میدانند و در کتاب احتیاج منقولست که
جمیری علیه السلام نوشت که منتهی حضرت صاحب علیه السلام فرمود که اگر
کسی در اموری متردد شود میان کردن و نکردن و دو انگشت بگیرد و در یکی نویسد
کن

سینکس سنجان و آیه تنصیه
و سیکو و تکرار تا آن حد که
آیه را بشنود و در آن وقت که
بگوید و تکرار کند و در آن وقت که

لکن و بر دیگری ممکن پس هر دو را بپایان کند و چندین مرتبه طلب ضرر خود از حق
تعالی بکند پس یکی از آنها را بیرون آورد و بآن عمل کند آیا حکم استخاره
دارد حضرت در جواب نوشتند که آنچه عالم اهل بیت علیهم السلام
در باب استخاره مقرر فرموده لازم کردن و رقعها نوشتن است بغیر رضای
باید کرد و آنچه شایسته است در این استخاره و کلامی که این نوع از
استخاره بجهت طریقی وارد شده اول آنست که کلینی و شیخ طوسی و سید و دیگر
۴ بسنده های معتبر از هر دو بن خارج روایت کرده اند که حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه فرمود که هرگاه امری را اراده کنی شش رقع
کاغذ بگیر و در سه تایی آنها بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة
من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة و در سه رقع دیگر بنویس
بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة
لا تفعل پس آن رقعها را در زیر مصلاي خود بکند و دو رکعت نماز کند
و چون فارغ شوی برو سجده و صد مرتبه بگو استخیر الله برحمته خیرة
فی عافیة پس دست بنشینی و بگو اللهم عزلی و اختر لی فی جمیع الامور
فی یسر مینک و عافیة پس دست بزنی و رقعها را شش گوشه بیکدیگر
مخلوط گردان و یک یک از آنها را بیرون آورد و ملا خطه کن اگر سه فعل بیایی در آید
بپس یکی آن کار را که اراده کرده و اگر سه لا تفعل بیایی بیرون آید پس یکی

بشرحه
 ملاحظه
 در این باب
 در این باب

آن کار را و اگر بعضی فعل و بعضی لا تفعل بر آید یا پنج رتبه بیرون آورد اگر فعل
 بیشتر است عمل کن و اگر لا تفعل بیشتر است ترک کن و احتیاج نیست بیرون
 آوردن رتبه ششم **مؤلف** **کوه** غفل در این روایت وارد نشده است
 و بعضی از علما در این اشعار ذکر کرده اند باعتبار اینکه در استناده مطلقه که
 در محل خود ذکر کردیم واقع شده است و شاید بد نباشد و در و غفل
 در نمازهای حاجت نیز شاید متوید تواند شد و اگر قصد زیارت آنست
 علیه السلام بگوید در آن غفل بکنند شاید احوط باشد و الاضایعین سوره
 در این نماز وارد شده است و بعضی سوره حشر و سوره طه را ذکر کرده
 اند باعتبار آنکه در نوع دیگر اشعار وارد شده است و شاید بد نباشد
 و اگر در هر رکعت سه مرتبه قل هو الله خوانند چنانچه بعد از این مذکور شود
 الاضایعین و ظاهر این سوره که خوانند خوب است و آنچه در روایت
 واقع شده است که اگر در هر دو آید فعل و لا تفعل باید پنج تا بگوید
 آورند اشکالی دارد زیرا که بعضی از **ص** صور احتیاج نمی شود زیرا
 آوردن پنج مثل آنکه اول یک لا تفعل در آید و بعد از آن سه فعل یا
 بر عکس یا آنکه دو فعل بر آید و یک لا تفعل و یک فعل یا بر عکس و در رتبه
 که مراد آن باشد که احتیاج بیرون آوردن ششم از غفلت و احتیاج
 بختم نیز در بعضی از شقوق شود و احتمال دارد که در همه صور پنج بیرون

پنجم

آورد عقبه الگوانده ای بر ما معلوم نباشد اما بعید است و ایضا باید دانست که
 اگر مختلف بیرون و یکی بیشتر باشد از حدیث تفاوتی در خوبی و بدی ظاهر می شود
 و بعضی از علما باعتبار رعایت زود بیرون آمدن هر یک یا توالی آنها تفاوت
 در مراتب خوبی و بدی قرار داده اند مثل آنکه اگر سه فعل در چهار رتبه بیرون
 آید بهتر است از آنکه در پنج رتبه بیرون آید و همچنین لا تغفل در بد و اگر دو
 فعل بیاید بیایی و یک لا تغفل و یک فعل بهتر است از آنکه اول لا تغفل بیرون
 آید و بعد از آن سه فعل و برای قیاس سایر شقوق نیکی و بدی معلوم میشود
دویم آنست که سید رضی رحمه الله از طرق عامه از ابن مسعود روایت

کرده است که او در استخاره این دعا میخواند **اللَّهُمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ**
لَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ عِلْمُكَ
يَا يَكُونُ كَعِلْمِكَ يَا كَانُ اللَّهُمَّ إِنِّي عَزَمْتُ عَلَى كَذَا كَذَا فَإِنْ كَانَ
لِي فِيهِ خَيْرٌ لِّلْآخِرَةِ وَالدُّنْيَا وَالْعَاجِلِ وَالْآجِلِ فَخَيْرٌ وَسَيِّئُهُ
وَوَقَفْتَنِي لَهُ أَوْ وَقَفْتَنِي لِي وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَأَسْأَلُكَ كَيْفَ
شِئْتَ پس بجهه معرفت و صد و یک مرتبه میگوید **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ**
بِرَحْمَتِكَ خَيْرٌ فِي عَافِيَةٍ پس در سه رتبه میخواند خیر من است
 العزیز الحکیم فلان بن فلان **إِنْعَلْ عَلَّاهُ** اللهم اعن و عونه و در سه رتبه بگوید

مینوشت خیره مین الله العزيز الحكيم فلان بن فلان لا تفعلوا خيرة
 فيما يقضي الله ودر زیر سجاده میگذاشت و چون از نماز و دعا فارغ
 میشد یک یک از آنها را بیرون می آورد و هر یک که بیشتر بیرون می آمد
 بآن عمل میکرد **تولف گوید** که بجای علی گذا و کند احصیت خود را بعزلی
 میکند و اگر نتواند بگوید علی الآخر الذی علیت و بجای فلان بن فلان
 اسم خود و پدرش را بنویسد و در هر رقعها و این روایت اگر چه از
 طریق اهل سنت است اما مؤید روایت اول است و عمل بر دوات اول
 از طریق شیعه است اولی است و اگر این دعا را نیز بخواند بدست
سیم آنست که باز سید رحمانه از طرق مخالفان نقل کرده است از
 جابر بن عبد الله انصاری که از اکابر صحابه است گفت که حضرت رسول
 خدا صلی الله علیه و آله ما را تعلیم میکرد استخاره در امور را چنانچه تعلیم نمود
 ۶۰ سوره های قرآن را و میفرمود که هر گاه احدی از شما اراده کاری
 بکند دو رکعت نماز بکند غیر نمازهای واجب پس بگوید اللهم انی استخیرک
بعلمک و استقدرک بقدرتک و استسئلك بفضلك العظیم
فانتک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب
اللهم ان کنتم تعلم ان هذا الامر خیر لی فی دینی و دنیای

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

نرسد
فی عاجل امری

و عاقبت امری فاقیده الی و یسره الی ثم باری فی فیہ و ان کنت
تعلم ان هذا الامر شر الی فی دینی و معاشی و عاقبت امری
فاضرر فی عینی و اضرر فی عنی و اقدیر الی اخیر حیث کان ثم
رخصتی بر پس سید گفته است که بعضی از مشایخ ما رحمه الله گفته است که
چون این نماز را بکند و این دعا را بخواند شش رقعہ از کاغذ قطع کند
و در سه تا لا تغفل بنویسد و در سه تا لا تغفل بنویسد و بیکدیگر مخلوط گرداند
و در میان آستین خود بگذارد پس سه تا را یکی یکی بدر آورد اگر هم لا تغفل
باشد آن کار را بکند با طیب خاطر و اگر دو تا لا تغفل باشد و یکی لا تغفل
باکی نیست که از او بکند اما بیست تراست از شوق اول و اگر هم لا تغفل
باشد نیکند و اگر دو تا لا تغفل باشد حذر کردن او الی است و اکثر حکم کل ندارد
مترجم گوید که از محتوای اصل حدیث ظاهر میشود که این نماز و دعا برای
مطلق طلب خیر است بدون آنکه عملی با آن باشد و آن عملی که از
بعضی مشایخ نقل کرده است جزو آن نیست و در روایت دیگر نه بیستم
پس او بهتر آنست که بنوا اول عمل آورند و اگر خواهند این دعا را نیز بخوانند
مترجم گوید که باز سید قدسی سره در فتح الابواب گفته است که عین
رسیده است از بعضی علما در کیفیت آن نماز که در سه رقعہ بنویسند اللهم
الرحمن الرحیم خیرة من اشبه العزیز بالحکیم لا تغفل و در سه رقعہ دیگر بنویسند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَبْرَةٌ مِنْ أَمْرِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لَا تَفْعَلْ وَرَقْعُهُ رَاذِرِي
 سجاده بگذار و دو رکعت نماز کن و در هر رکعت بعد از سوره حمد و رَقْعُهُ رَاذِرِي سجاده
 سه مرتبه سوره قل هو الله بخوان پس سلام بگو و بگو اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ
 بِعِلْمِكَ إِنَّا خَرَدَاكَ مَذْكُورٌ بِسْمِ اللَّهِ بِرُوحٍ وَوَصْدٌ مَرْتَبَةً بَعْدَ مَرْتَبَةٍ اللَّهُ
 الْعَظِيمُ پس سوز سجده بردار و پنج رقع را بیرون آور اگر افعل سه تا
 باشد بکن که صلاح تو در آنست و اگر لا تفعل سه تا باشد بکن که ضرر تو
 در نکردن آنست اما سه رقع آنست که باز سید رضی رحمه الله از شیخ ابو
 الفتح کراچکی رحمه الله نقل کرده است و او بسند خود از هرون بن حار
 روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه امری را
 اراده کنی شش رقع بگیر و بر سه رقع بنویس بسم الله الرحمن الرحيم حَبْرَةٌ مِنْ
 أَمْرِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ و بروایت دیگر العلیّ الکرم لعلان بن فلان افعل کن یا لا تفعل
 و نام خود را در او در آور و آن کاری که میخواهی بکن بنویس و در سه رقع بنویس
 بسم الله الرحمن الرحيم حَبْرَةٌ مِنْ أَمْرِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لعلان بن فلان لا تفعل کن یا لا تفعل
 و چهار رکعت نماز کن و در هر رکعت بنجاه مرتبه قل هو الله احد و سه مرتبه بواه
 انا انزلناه فی سبیلہ القدر یعنی بعد از سوره حمد و رَقْعُهُ رَاذِرِي سجاده
 میکنی بکنار پس این دعا را بخوان بِقُدْرَتِكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِيرُكَ لَا
 أَقْدَرُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ بِكَ فَلَا شَيْءَ أَعْظَمُ مِنْكَ صَلِّ
 عَلَى آدَمَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بِسْمِ اللَّهِ الطَّاهِرِينَ وَتَنْ

سوره

یَنْتَقِمُ مِنْ بَنِي وَصِدِّيقٍ وَشَهِيدٍ وَعَبْدٍ صَالِحٍ وَوَلِيٍّ تَخْلَصُ وَمَنْ لَكَ
 أَجْمَعِينَ وَأَنْ كَانَ مَا عَزَمْتَ عَلَيْهِ مِنَ الدُّخُولِ فِي سَفَرِي إِلَى بَلَدٍ
 لَكَ ذَاكَ خَيْرٌ لِي فِي الْبَدْوِ وَالْعَاقِبَةِ وَرِزْقِي تَيْسَّرُ لِي مِنْهُ فَسَهِّلْهُ
 وَلَا تَعْصِرْهُ وَجِزْ لِي فِيهِ وَأَنْ كَانَ غَيْرُهُ فَاصْرِفْ عَنْي وَبَدِّلْ لِي مِنْهُ
 بِمَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس هفتاد مرتبه میگوید بگوید
 خیرة مین استی العلی الکرم پس سجده بر او روا کرده است که بعد از آن رقعها
 خود را از خدا بطلب و در روایت دیگر وارد شده است که بعد از آن رقعها
 را بیرون آورد بخوی که در روایت اول مذکور شد **نصف دوم** که این دعا
 در خصوص اراده سفر است و اگر اراده امر دیگر داشته باشد باید که بجای
 من الدخول فی سفری الی بلد کذا او کذا آن حاجت را ذکر کند و اگر اراده
 سفر باشد بجای الی بلد کذا آن سفر و آن شهری را که اراده دارد ذکر
 کند و بر هر تقدیر عمل بر روایت اول بهتر است و اگر خواهد این دعا را نیز اضاف
 کند که بعد از آنکه سید ابن طاووس رحمه الله چون این اشعار را بهترین اشعار است
 میداند و مدارش بر عمل بر این اشعار بوده است چند امر غریب از تجربه این
 استغاره نقل کرده است **اول** آنکه حضرت از ارباب مناصب نبویه مراد طلبید
 و من در جانب غربی بغداد بودم و بیت و دور روز در آنجا ماندم و هر روز آن اشعار
 کردم که او را ملاقات کنم و همه اشعارهای آن را تلاوت می نمودم و بعد از چهار
 رقع سه لا تغفل آمد و ظاهر شد که خیر من در آنجا بوده است و چنین اتفاقی نمی باشد
 نهیدن او

در سید این باقی رخصت است که در دست آنکه که این امکان / بلکه عقیق بوده باشد

مگر از جانب خداوندی که عالم اخفیات است **دویم** آنکه در امامی که در دار السلام
 بغداد اقامت داشتیم و اردشیر حمله نمود و بمحض از آقا رب من تکلیف نمود که
 که بدین یکی از حکام حله بروم و چنان اتفاق افتاد که یکماه در حله ماندم
 و هر روز که اراده ملاقات او میکردم در اوّل آن روز و آخر آن روز بخانه
 میکردم برای دیدن او و در همه استخارات سه لا تغفل مرا آمد تا آنکه بنجاه
 استخاره در عرض آن مدت کردم و هیچ سه لا تغفل بیرون آمد و معلوم شد
 که خبر من در آن بوده و عقل باور میکند اینرا که بنجاه استخاره کسیر برای هر
 یک طلب کند و بر سبیل اتفاق بدون اراده قادر علی الاطلاق هم بد
 بیاید **سوم** آنکه تا حالت تحریر این رساله بنجاه و سه سال از عمر من گذشته
 است و تا حقیقت استخاره بر من ظاهر شده است پیوسته در امور خود
 استخاره کرده ام و در همه آنها خبر خود را در آن یافته ام که استخاره مرا بآن
 دلالت کرده است و همیشه سعادت دنیا و عقبای خود را در آن یافته ام
فصل **یکم** که فقیر نیز در انواع استخارات تجربهای بسیار کرده ام و از هر
 برادران و صلحای عزیزان و آشنایان و خود امور غریبه در این باب
 شنیده ام خصوصاً این استخاره و استخاره بصفت محمد و اسم الحوائج **فصل**
ثانی در بیان استخاره بر قاع است بر خلاف طرق مشهور و آن
 چند قسم است **اول** چنانچه طبری رحمه الله علیه در مکارم الاخلاق از
 عبد الرحمن بن حنیبل روایت کرده است که در سالی رفته یکم معطر

و با خود متاعی برده بودم و آن متاع در آن سال کساد بود و سر بهمن رسید که نزد
بعضی از اصحاب ما گفتند که متاع را بجز بفرست و بگویند برنگردان و بعضی گفتند
که همین بفرست پس رفتم که خدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بعد از
آنکه از من بکبر مراجعت کرده بودیم و احوال خود را عرض کردم و بفرموده رسیدم
که شاید میسر نماید حضرت فرمود که فرعه بن میان مصر و بین و تنولین
کن امر خود را بجزا داد اسم هر شهر که بیرون آید متاع خود را با آنجا بفرست
گفتم فدای تو مشوم چگونه فرعه بن نم فرمود که در کفره بن نویسی بنویسم
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اَنْتَ اَنْتَ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ غَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّاهِدُ اَنْتَ
الْعَالِمُ وَاَنَا الْمُسْتَغْلَمُ فَاَنْظُرْ لِي فِي آتِي الْأَمْرَيْنِ خَيْرًا لِي حَتَّى أَتَوَكَّلَ
عَلَيْكَ فِيهِ وَاعْمَلْ بِرَبِّسْ بِنُورِ مَصْرَ اِنْ شَاءَ اَنْتَ بِرَبِّسْ رَفْعَهُ دِكْرًا
دعا را بنویس پس بنویس الیمن ان شاء الله پس رَفْعَهُ سیم بار همان دعا
را بنویس و بعد از آن بنویس مُحَمَّدٌ سَلَامٌ وَلَا يُعْثِرُ اِلَى بَلَدٍ مِنْهَا
یعنی جس کهنه متاع را و بهیچیک از آن دو شهر نفرستم پس رَفْعَهُ را جمع کن
و یکی از برادران مؤمن خود بده که در جایی پنهان کند از تو پس دست خود را
در آنجا داخل کن و هر یک از آن رَفْعَهُ که بدست می آید بیرون بیاور و در خدا
توکل کن و آنچه در آن رَفْعَهُ هست عمل کن که ان شاء الله خیر تو در آنست
رسید خبر این عمل را پسند حسن معتبر از عبد الرحمن روایت کرده است

بفرست
اینه لا اله الا انت
فان عمل کرد

مترجم گوید که این عمل جوهریت و اعتبار رسندش کمتر از ذات ارفع است
و میتواند بود که عموماً احادیث قرعه شامل این بوده باشد زیرا که
احادیث بسیار وارد شده است که در هر امر مشکلی قرعه باید انداخت
و وارد شده است که هر قوی که امر خود را بجا نتواند بگذارد البته هر حق
بیرون بر آید خصوصاً در امری که راهدار آن مختلف شده باشد **دویم**
سید رضی رحمه الله از حضرت باقر یا صادق صلوات الله علیهما روایت
کرده است که کسی که خواهد استخاره بپس آید بگوید بقرعه در قرعه
این دعا را بخواند اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمُ الْغَيْبِ
الشَّهَادَةُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فَيَا كَانُوا قِسْمَ خَلْقِكَ
أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَصْلِيََ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَخْرِجَ
أَمْرِي إِلَى حَيْثُ شِئْتُ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَعَاقِبَةِ أَمْرِي وَعَاجِلِهِ وَآجِلِهِ إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ پس مطلب خود را در دو قرعه بنویسد اگر روشنی باشد
و اگر نه یکی را بردارد و یکی را بگذارد و در سیم بنویسد غفلت است
کنند و یکی را بیرون آورد اگر یکی از آن دو قرعه بیرون آید بآن عمل کند و
اگر غفلت بیرون آید آنرا بپس آید و دیگری را بیرون آورد و بآن عمل
کند **مفتاح هشتم** در بیان استخاره ببنادق است **سید رضی رحمه الله**

مفتاح نهم
در بیان استخاره ببنادق است

در فتح الابواب و این تعلیم **در مجموع الدعوات** روایت کرده اند از
احمد بن محمد بن عیسی که گفت **حضرت** از دوستان ما اراده کرد که از برای تجارت بیرون
روند پس گفت بیرون نروم تا بروم بخدمت حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه و بر او سلام کنم و در کار خود از او مشورت کنم و استعاضه
دعا از آن حضرت بکنم پس بخدمت آن جناب رفت و عرض کرد که من اراده دارم
که برای تجارت بیرون بروم و سوگند یاد کرده ام که بیرون نروم تا بخدمت شما
برسم و بانشاء مشورت کنم و طلب دعا از خدمت شما بکنم **حضرت** برای او دعا
کردند و فرمودند که بر تو باد بر است گویی و عیب متاع خود را در تجارت نهان
مکن و کسی را که وعده و کسی را که امیدوار احسان خود کرده باشی مغفون مگردان
که آن در بدی مانند شود که رفتن است و از برای مردم میسند مگر چیزی را
که برای خود میپسندی و حق بدو و حق بگیر و متهمی و اندک خاک میباش از
کمی روزی بدستی که تاجر راست گو باشد که نیکو کار گرامی نزدی و در کار
در قیامت محشور میشود و اجتناب کن از سوگند یاد کردن در خرید و
فروش زیرا که سوگند اروع صاحبش را با تش جهنم میرد و هر تاجر بد کردار
و فاجر است مگر آنکه زیاد از حق خود بگیرد و حق مردم را تمام بدهد و هرگاه
عزم کنی بر سفری یا حاجت ضروری که اقامت بشان آن داشته باشی دعا بیا
بکن و استخاره بکن بدین که خبر داد مرا پدرم از پدرش از جدش که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله استخاره را با صاحب خود تعلیم میکرد چنانچه

سوره قرآن را و ما استخاره را بجمعی آوریم هر وقت که اراده کنیم امری را
و رتبه چند برای پنداره میگیریم و موافق آنچه بیرون می آید عمل میکنیم خواه
موافق خواهش ما باشد و خواه نباشد پس آن مرد گفت ای مولای من
آن استخاره را بمن تعلیم تا که چگونه عمل آورم فرمود که چون اراده استخاره
نمایی وضوی کامل بساز یعنی با آداب و ادعیه مستحبه و در رکعت نماز کن
و در هر رکعت سوره حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام نماز
دستهای خود را بدعا بردار و بگو یا کاشف الكرب و تفرج الهم و مذهب
الغم و مبتدئنا بالنعم قبل استحقاقها یا من یفرج الخلق الیه فی خواجهم
و موائهم و امورهم و یطوّر علیهم امرت بالذلاء و ضمنت الاجابة
اللهم فصل علی محمد و آل محمد و ابتداء بهم فی کل امری و افرج همی
و نفسی لربی و اذهب غمی و الشفیع عنی الامر الذی قد التبس
علی و حزنی فی جمیع اموری خیرة فی عافیة فانی استخیرک اللهم
بعلمک و استقدرک بقدرتک و استسئلک من فضلائک
و الخا الیک فی کل اموری و ابرأ من الحول و القوة الا لک
و اتوکل علیک و انت حسبی و نعم الوکیل اللهم فافتح لی ابواب
رزقک و سهلها لی و یسر لی جمیع اموری فانک تقدر و لا اقدر
و تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب اللهم ان کنت تعلم ان
الامر الذی امرت علیه و اردته هو خیر لی فی دینی و دنیای

یتوکلون
امر ذری

وَمَغَافِي وَمُعَادِي وَعَاقِبَةُ أُمُورِي فَقَدَرَهُ لِي وَعَجَلَهُ عَلَيَّ وَسَمِعَهُ
وَيَسِّرَهُ وَبَارَكَ لِي فِيهِ وَإِنْ كُنْتُ تَعْلَمُ أَنَّهُ غَيْرُ نَائِبٍ لِي فِي الْعَاجِلِ
وَالْأَجَلِ بَلْ هُوَ شَرٌّ عَلَيَّ فَاصْرِفْهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْتَ شَيْئْتَ وَأَصْرِفْهُ عَنِّي
وَقَدِّرْ لِي إِخْبَرَ صَيْتُكَ كَانَ وَأَيْنُ كَانَ وَرَضْتَنِي بِأَرْثِ بَقِيَّتِكَ
وَبَارَكَ لِي فِي قُدْرِكَ حَتَّى لَا أَحْتَاجَ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ
مَا عَجَلْتَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَيِّئٌ سِوَا صَلَواتِ
فَرَسْتَ بِرَحْمَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَبَابِ كَرَمِ رَقْعِهِ بِأَخْذِهِ دُرَّةً بَاشِي هَمِّكَ تَعَارُفَ
وَبِكِ هَيْئَتِ وَدُرَّةً وَرَقْعَهُ ابْنِ دُعَا رَابِعُوسِ اللَّهُمَّ فَاطِمَةُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فَمَا كَانُوا
بَيْنَهُمْ يَخْتَلِفُونَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَعَظْمِي
وَلَا أَمْضِي وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ سَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَخَرِّجْ
لِي أَحْسَنَ الشَّرْهَيْنِ إِلَيْكَ وَخَيْرَ هَلَالِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَعَاقِبَتِي
أَمْرِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَيِّئٌ وَدُرَّةً بَاشِي
ازد و رَقْعَهُ افْعَلْ بِنُورِ دُرَّةً دِيرِي لَا تَفْعَلْ وَدُرَّةً سَلِّمْ ابْنِ رَا
بِنُورِ لَأَحْضَلْ وَلَا تُؤْخِرْ إِلَّا بِأَمْرِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اسْتَعْنَتْ بِأَمْرِ
وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْهِ وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ كَلَّمَتُ فِي صَمِيحِ أُمُورِي عَلَى أَمْرِ

وَقَضَى وَلَا أَجْزِي رَام

اَحْيِ الَّذِي لَا يَحْيُوتُ وَاعْتَصِمْتُ بِذِي الْعِزَّةِ وَاجْبُرْتُ وَتَحَنَّنْتُ
 بِذِي الْكَمَالِ وَالطُّوْلِ وَالْمَلَكُوتِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَآلِهِمُ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَشَيْئاً
 رَفَعَهُ رَأْسُهُ بَعْدَ ارْوَاحِي بِرَأْسِ مَنْوَسٍ وَهَرَسَ رَفَعَهُ لِمُحَمَّدٍ بِيَعْرِ
 بَكْتِ هَيْئَتِ وَيَكْصُورَتِ وَدَرْمِيَانِ سَهْمِ بَدَقَمِ بَعْدَ ارْوَاحِي بِرَأْسِ مَنْوَسٍ
 بِرِيكَمِيَّتِ وَيَكُوزِنِ وَبَدَهْ بَكْسِي كِهْ اَعْتَادَ بِرَأْسِ بَدَقَمِ بَعْدَ ارْوَاحِي بِرَأْسِ مَنْوَسٍ
 وَبَكُو كِهْ خُذَارِ اِيَادَكُنْ وَصَلُّوَاتِ بِرِيكَمِيَّتِ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ ارْوَاحِي بِرَأْسِ مَنْوَسٍ
 دَرْمِيَانِ آسْتِينِ خُودِ بِنْدِ اَزْدِ وَدَسْتِ مَاسْتِ خُودِ رَا دَرْمِيَانِ آسْتِينِ
 خُودِ دَاخِلِ كُنْدِ وَآنِ بِنْدِ قَهْرِ كَسْتِ دَهْدِ وَيَكِي اَزْ آنْهَا رَا دَرْ آوَرْدِ بَدُونِ
 آنْكَمِ آنْهَا رَا نَظَرِ كُنْدِ وَيَكِي رَا بَخْشِصِ قَبِيلِ كُنْدِ وَبَكِي دَسْتِشِ بِرِيكَمِيَّتِ اَزْ آنْهَا
 كِهْ وَاقِعِ شُودِ بِيرونِ آوَرْدِ وَچُونِ بِيرونِ آوَرْدِ تَوَازَاوِ بَكِي وَخُذَارِ
 يَادَكُنِ وَآخِرِ اِيَادَكُنِ اَوَّلِشِ رَا بَخْشِصِ اَوَّلِشِ كُنْدِ وَبَكِي دَسْتِشِ اَزْ آنْهَا
 سَهْمِ اَسْتِ وَآخِرِ كَسِي كِهْ بِرَأْسِ اَعْتَادِ دَسْتِشِ بِرِيكَمِيَّتِ خُودِ دَرْمِيَانِ
 مِيَانِ آسْتِينِ بِنْدِ اَزْ وَآخِرِ بِنْدِ كُورْسِ عَمَلِ آوَرْدِ اَكْرَأْ كِهْ اَعْمَلِ
 بِرَأْسِ اَنُوشْتِ سَهْمِ اَسْتِ بِيرونِ آيِدِ اَلْبَتَّهْ اَنْ كَارِ اِيَادَكُنِ كِهْ خُذَارِ تُو دَرْمِيَانِ
 اَسْتِ اَنُوشْتِ سَهْمِ اَسْتِ وَآخِرِ اَعْمَلِ بَرَأْسِ اَنُوشْتِ سَهْمِ اَسْتِ بِيرونِ
 آيِدِ زَنَاهِ اَعْمَلِ مِيَادِ رَوِ اَلْبَتَّهْ مَخَالِفَتِ اِيَادَكُنِ كِهْ اَزْ اَرِ
 مَلِكِ

می کشی و اگر رفته بیرون آید که چیزی بر پشتش نوشته شده است بر بن قف
 کن تا وقت نماز فرضیه حاضر شود پس بر چیز و دو رکعت نماز حاکم کند و در آن
 پس نماز واجب را بکن یا آن دو رکعت را بعد از نماز واجب بکن اگر نماز
 صبح و عصر نباشد و اگر نماز صبح باشد باید که بعد از آن تعقیب و دعا بخواند
 تا آفتاب بین شود پس بعد از آن آن دو رکعت را بجا آورد و اگر نماز
 عصر باشد آن دو رکعت را پیش از نماز عصر بکن و بعد از نماز عصر آن دعاها
 را بخواند و بار دیگر آن عمل را اعاده کند و اگر باز رفته مانوشته بیرون آید
 باز در وقت فرضیه دیگر همان عمل را اعاده کند تا کلی از رتبه ها نوشته بیرون
 آید **دوم** که احتمال دارد که ظاهر روایت آنست که نوشتن رتبه ها
 و پیچیدن و در میان بند که اشتیاق بعد از نماز و خواندن دعا باشد
 و بریدن رتبه ها پیش باشد و احتمال دارد که تا بنده کردن قبل از نماز
 باشد و در زینت که اول اولی باشد **دوم** است که پیش و پنج
سید علی حسینی و دیگران بنده برسل از یکی از ائمه صلوات الله علیهم
 روایت کرده اند که شکر از اصحاب آنحضرت بر سید که امری را میخواست
 بعلی ورم و کمی را میبایم که با او مشورت کنیم چگونگی حضرت فرمود که با برادر کار
 خود مشورت کن بر سید که چگونه مشورت کنیم فرمود که آن حاجت را در خاطر
 خود قصد کن و در رفته بگیر و در یکی لا بنویس **سید علی** نعم و هر یک را در میان

بندقه از کل بکند از پس دور گفت ناز بکن و آن دو بندقه را در زیر دامن
 خود بکند و بگوید یا الله انی استاورمک فی امری هذا و انت
 حیر مستشار و مشیر فاشتر علی بانیه صلاح و حسن عاقبه
 پس دست خود را در زیر دامن داخل کند و یکی از آن دو بندقه را بیرون
 آورد و بکشد اگر نفع باشد بکشد و اگر لا باشد مکن با خدا چنین مشورت باید
 کرد **سیم آنست که سه مرتبه فرموده که در بعضی از کتب شیعه یافتیم**
 که در دو رقعه بنویسی بسم الله الرحمن الرحیم ضربه من الله العزیز العظیم بقدر
 فلان بن فلان و حاجت خود را بنویسی و در آخرش بنویسی افعل یا
 مولای و هر دیگری را در آخرش بنویسی که اتوقف یا مولای و هر یک از
 دو رقع را در میان کتوله از کل میکذاری و بر آن میخوانی هر یک از سوره حمد و سوره
 قاف اعوذ برب العلق و سوره و الضحی را هفت مرتبه و ظرف آبی در پیش
 خود میکذاری و بندقه را در میان آب می اندازی پس هر یک که زودتر
 از دیگری شکافته شود بر روی آب آید بآن عمل میکنی انشاء الله تعالی
چهارم آنست که باز سید قدسی سه مرتبه ذکر کرده است که یا قتم خط
 علی بن محمدی خط که نوشته بود که این استخاره مولای ما امیر المؤمنین علی
 بن ابی طالب صلوات الله علیه است در خاطر میکذاری هر مطلبی که داری
 و این استخاره را بنویسی در دو رقع و دو بندقه از کل میکذاری و برآورد

یکی را

لا تقلم
 و انت یای
 یا قتم
 یا قتم

میسنجی که با هم برابر باشند و هر رقعۀ را در میان بندۀ میگذاری و در میان
آب می اندازی و هر یک که پیشتر بر روی آب بر آید آن عمل میکنی و البته
مخالفت مکن **و عالم در رقعۀ یونس** **مات شاء الله كان**
اللهم اني استخيرك خييار من فوض اليك امره واستسلم اليك
نفسه واستسلم اليك في امره وخلالك وجهه وتوكل عليك
فما نزل به اللهم حزلي ولا تحز علي وكُن لي ولا تكن علي واضربي
ولا تضربي واعني ولا تعرن علي وامكنني ولا تمكرن مني واهدني الي
اخيري ولا تضلني وارضي بقضائك وبارك لي في قدرتك انك
تفعل ما تشاء وتحكم ما تريد وانت على كل شيء قدير اللهم ان
كانت اخيرة في امري هذا في ديني ودنياي وعاقبة امري حسنة
لي وان كان غير ذلك فاصرفه عني يا ارحم الراحمين انك
على كل شيء قدير **خبر است که ايضا به رقعۀ يونس** روايت کرده
است از حضرت صاحب الزمان عليه صلوات الرحمن وسمی است
باستخارة مصریه و کیفیتش آنست که در دو رقعۀ بنویسد **خيرة من الله**
و رسوله لفلان بن فلانة و نام خود و مادرش را بنویسد و در یکی **انفعلي**
در دیگری **لا تنفعلي** بنویسد و در میان دو بندۀ قه از کل بگذارد و در میان
قدح آبی هر دو را بیندازد پس وضو سازد و دو رکعت نماز بکند و بعد از نماز

این دعا را بخواند اللهم انی استخیرک خیار من فوض الیک امره و
اسلم الیک نفسه و توکل علیک فی امره و استسلم بک فیانزلک
من امره اللهم حزلی و لا تحز علی و اعنی و لا تعن علی و ملکنی و
لا تملکن منی و اهذب لی الخیر و لا تضلنی و ارضنی بقضائک و بارک
لی فی قدرک انک تفعل ما تشاء و تعطی ما ترید اللهم ان
 کانت الخیرة فی امری هذا و هو کذا و کذا و بی کذا و کذا اسئلك در الجواب
 بنویسد فملکنی منه و اقدرنی علیه و امرنی بعقله و اوضح لی طریق
الهدایة الیه و ان کان اللهم غیر ذلک فاصرفه عنی الی الذی
هو خیر لی منه فانک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت
علام الغیوب یا ارحم الراحمین پس سجده رود و صد مرتبه بگوید
استخیر الله خیرة فی غایتی پس سر بردارد و انتظار کند تا یکی از آن رقعه
 از آب بیرون آید هر یک که پیشتر بیرون آید بآن عمل کند یعنی اگر فعل بران
 آید آن کار را بکند و اگر لا تفعل بیرون آید ننگد ششم باز سید رحیم
 از شیخ ابو الفتح کراچی که از اکابر علمای شیعه است روایت کرده است
 که دو رقعه بنویس در یکی افعل یعنی بکن و در دیگری لا تفعل یعنی مکن و از
 + دیده خود پنهان کن در موضعی و نماز استخاره بکن و خیر خود را از عالم
 انقیات طلب کن و یکی از آنها را بیرون آور و بآن عمل کن ۵

ترجمه که این نوع از استخاره نیز از استخارهای معتبر است و بطریق بسیار
وارد شده است و بهر یک از این دو رنیت که عموماً قریه نیز شامل این
طریق بوده باشد و بهر یک از طرق الهیه که مذکور شد عمل صحیح کردن خوب است
مخصوصاً طریق اول و اگر بعضی از دعاهای طرق دیگر را نیز با آن ضم کنند بهتر است
فائده در بیان بعضی از امور نادره است و در آن چند فائده است **اول**
بخط شیخ سعید شهید محرابی ملکی حشره اسم تعالی مع الشهداء الاولین دیدیم که هرگاه
شخص در چاره امری متحیر باشد و نداند چه باید کرد عمل کند باین خبر که در کتاب
مهرین جویری طبری که مساست بکناب الآداب الحیده دیدیم که روح بن ابراهیم
از پدرش از جدش روایت کرده است که فرزند آن حداد و صیت کرد و گفت
هرگاه امر عظیمی را را داده یا حادثه باعث غم آید یا کار دایم که با وضو
بخوابد در فراشی و کاف ظاهری و تنها بخوابد و پهلوی زنی بخوابد و در وقت
خوابیدن سوره و الشرح و سوره و اللیل هر یک را هفت مرتبه بخواند پس بگوید
اللهم اجعل لی من امری هذا فرجاً و بخوابد پس شخص بخوابد و بگوید
در شب اول یا سیم یا پنجم و گمان دارم که هفتم را نیز گفت و با و میگوید که فرج
از این غم و دلگیری و الم در چه چیز است انس که راوی حدیث گفت مراد ری
عارض شد و عدد چشمی را ندانستم پس این عمل را بجا آوردم و چون خواب
رفتم دیدم دو کس نزدیک من پیدا شدند و یکی نزد من نشست و دیگری
نزد پاهای من پس یکی دیگری گفت تمام بدش را دست بالا و احساسی عرض

احدی از ص

بکن پس چون دشمن موضعی از سر من رسید گفت در اینجا حجامت کن و تراش
 و کویخ را چیزی بر آن مال که بحسب پس من گفت او هر دو که ضم کن با آن
 انجیر و زیتون را چون بیدار شدم همان موضع را حجامت کردم و صحت یافتم
و جماعت بسیاری را تعلیم کردم و بعل آوردند و شفا یافتند **و شیخ طبرستان**
 نیز در مکالم الاطلاق روایت کرده است که هر که را احری یا عارض شود
 که موجب هم او گردد و خواهر چاره خود را در آن کار بداند باید که در
 وقت خواب سوره و الشمس و سوره و الليل هر یک را هفت مرتبه بخواند
 تا آنکه در خواب مردی را ببیند که چاره او را تعلیم او نماید **و شیخ سیف**
رحمه الله در کتاب اختصاص از حضرت امام موسی علیه السلام حکایت میکند معتبر
 روایت کرده است که هر که را بسوی خدا حاجتی باشد و خواهد که عار از خواب
 بیند و جای خود را در آخرت بداند در سه شب با غسل بخوابد و با خدا
 مناجات کند و بامتوسل شود و ما را در درگاه خدا شمع گرداند تا آنکه
 ما را در خواب ببیند و حاجت خود برسد **و شیخ ابن عربی**
رحمه الله در کتاب مجموع الدعوات روایت کرده است که هر که خواهد
 حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را در خواب ببیند در شب جمع بعد از نماز
 مغرب مستحول نماز کند و با کسی سخن نگوید تا نماز صبح را بجا آورد
 و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سوره حمد سه مرتبه گواه

فلو سه احد بخواند پس در رکعت دیگر کند و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام نازکجه رود و صلوات بر محمد و آل محمد هفت مرتبه بفرستد و هفت مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله ولا اله الا الله و الله اكبر و لا حول و لا قوة الا بالله پس سوز سجده بردارد و درست بنشیند و دستها را بلند کند و بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا اهل الاولین و الآخرین یا رزق الدنیا و الآخرة و رحیمها یارب یارب یس بر خیزد و دستها را بلند و بگوید یارب یارب یارب یا عظیم الجلال یا عظیم الجلال یا عظیم الجلال یا بدیع الکمال یا کریم الفعال یا کثیر السنوای یا دائم الاضال یا کبیر یا متعال یا اول بلا مثال یا قیوم بغیر زوال یا واحد بلا انشغال یا شدید الحال یا ذاق الخلائف علی کل حال ار بی وجه حبیبی و حبیبک محمد صلی الله علیه و آله فی منامی یا ذا الجلال و الاکرام پس رو بقبله خوابد بر دست راست و مشغول صلوات بر محمد و آل محمد باشد تا بخواب رود که انشاء اسم آنحضرت را در خواب می بیند **طالع** که در کتاب بحار الانوار روایت اول بطریق دیگر مبسوط تر از آنچه مذکور شد است

حکمه و در این رساله بمناسبت مذکور شد **در** این اخبار سابقه معلوم شد که
عمده در استخاره آنست که ادمیر در امور دنیا و آخرت اعتماد بر عقل ناقص
خود نکند و باید که در جمیع امور توکل بر جناب مقدس الهی کند و معترف باشد
که من بنده عاجز جاهل ضعیفم و خداوند کریم رحیم عالم قادر مهربانی دارم که
اعرف بصلاح من از من و از جمیع مخلوقات و امور خود را باو گذارسته ام
و خیر خود را از او میطلبم پس توسل نماید بملطف و مرحمت خداوند کریم با غل
و ناز و دعاها که در ابواب سابقه گذشت پس شروع کند در آن کار و آنچه او
دهد بآن راضی باشد و خیر خود را در آن بداند هر چند موافق خواهش او نباشد
و بعد از آن استخاره بادل خود است چنانچه گذشت و بعد از آن مشورت کردن
با مؤمنانست و بعد از آن استخاره بر قاع و بنادق یا است یا نقاول بقرآن
مجید یا بتسبیح و ظاهرا همه خوبست اگر چه بعضی از علما صور اضربه را منع کرده اند
چنانچه سابقا مذکور شد اما ظاهرا آنست که غیر استخاره مطلقه که در باب اول ذکر
کردیم در جایی صورت دارد که تردیدی در آن نباشد نه در هر امری که خیریت آن
ظاهرا بر آدم معلوم باشد و تردیدی در آن نداشته باشد و نه در امور مستحبه و راجحه
که خوبی آن شرعا معلوم باشد مگر آنکه تردیدی در انواع آن داشته باشد و در امور
واجبه مطلقا استخاره کردن صورت ندارد بلکه شروع نیست و همچنین در امور حرام
استخاره جائز نیست اما استخاره مطلقه در همه امور خوبست مگر در امور حرام که

در آنجا مطلقاً استخاره شروع نیست چنانچه شیخ مفید علیه الرحمه و الزمخشری در جواب
مسائل غریبه فرموده است که هرگاه بنده مؤمن را دو امر در خاطر خطور کند
که از مصالح دنیای او که در آنها متردد باشد مانند سفر کردن و اقامت نمودن
یا نکاح کردن یا برده خریدن و امثال اینها سنت است که بدون استخاره متوجه
آن اعمال نشود و بعد از استخاره اگر یکی از آنها نزد او راجع گردد بآن عمل کند
و اگر هیچ یک راجع نشود توکل کند بر خدا و یکی از آنها را بعمل آورد که انشاء الله
خیر او در آنست و سزاوار نیست استخاره در امری که حق تعالی نیز از آن کرده است
و از برای کردن فعل واجب استخاره غنی باشد و استخاره در امور مباهاتیه
یا در میان دو امر سنت که هر دو را با هم بعمل نتواند آورد مانند جهاد سنت و حج
سنت یا آنکه مرد باشد میان زیارت دو امام معصوم علیه السلام یا میان بیایه
دو برادر مؤمن که هر دو را نتواند بعمل آورد و از این باب امور بسیار است بعضی از علما
دغدغه کرده اند در استخاره کردن از برای دیگری زیرا که در روایاتی که
سابقاً مذکور شد در هیچیک و کالت در استخاره مذکور نبود و سید ابن
طاووس رضی الله عنه بخوبی نموده و فرموده است که داخلست در عیون
قضای حوایج مؤمنان و ایضا ممکنست که استخاره کنند اینها حاجت
خود قرار دهد و قصد کند که یا بگوید بگویم بگویند یا نه و اگر چه عیون
و کالت در سنت که شامل استخاره باشد اما احوط آنست که صاحب

حاجت خود متوجه بخاره شود زیرا که هر که اضطراب را بشیرت توکل
او بجناب مقدس الهی بشیرت می باشد و اگر فعل غیر در این باب قائم تمام
فعل او میبود می بایست باین احادیث بسیار که در این باب وارد شده
است در یکدیگر استخاری باین بفرماید و ایضا با آن توجه و التفات
و محضرت که ائمه ماصلووات علیه السلام نسبت بموالی و شیعیان خود داشته
یکمرتبه برای یکی از ایشان بخاره بفرماید و با آن کتایبها و بی کتایبها
که فدویان و موالیان ایشان نسبت بمن باین میگردند در یکدیگر
منذ گور شود که یکی از ایشان این استند عا از خدمت ایشان کرده باشند
و بجهت نوشتن فقه این رساله وافی زانست که برادران ایمانی
بر اخبار و آثار ائمه طاهرات و پیشوایان دین صلووات علیه السلام
اصبعین که در این باب وارد شده مطلع شوند و کیفیت انواع بخاره
را بدانند که بهر نحو خواهند در حوایج خود با بخاره متوسل شوند
و در همه امور اعتماد بر پروردگار خود نمایند و بدانند که خداوند رحیم در نصی
خود را بر روی بندگان کن مکار بسته و همه را در جمیع امور بدرگاه خود خوانده
و کنه عاصیان را مانع لطف و احسان خود نمیدانند و ملتقی از عمل کنندگان
باین رساله آنکه این مجرم عاصی را در حال صیانت و بعد از وفات بدو

خیر یاد نمایند و بر سر او خطا که لازم غیر محصور علیهم السلام گمناخته ننمایند
 و با توزع بال و تشنه احوال و وفور اشغال در چند شب از لیالی
 ماه مبارک رمضان سنه هزار و صد و چهار هجری نوشته شد
 و گفته اولاد آخر و الصلح علی سید المرسلین محمد و عمرته المحدثین
 و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین

ملحق
 بلیغ نظر اونیق العیال

طبع

56

58

59

بجز من بر عالم که کتابی را فرستادم مکنی
منی نعم که با اینک خودمانی کتابی را به بندر رسیده
باشد این کتابی را از برای اینک است بهر مصلحت

۱۵۹۱۳